



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



رسالت
علیهما الصلوة
والتسلیمة

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



پیمان منتظران

بیعت نامہ یاران حضرت مہدیؑ

احمد سعیدی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پیمان منتظران: بیعت یاران مهدی

نویسنده:

احمد سعیدی

ناشر چاپی:

مسجد مقدس جمکران

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۸	پیمان منتظران: بیعت یاران مهدی
۸	مشخصات کتاب
۸	آغاز سخن
۹	پیش‌گفتار
۹	فصل اول: معانی و مراحل بیعت
۹	معانی بیعت
۱۰	بیعت قلبی
۱۰	بیعت زبانی
۱۰	بیعت عملی
۱۱	فصل دوم: موارد بیعت در صدر اسلام
۱۱	موارد بیعت در اسلام
۱۱	بیعت پیامبر با اصحاب
۱۲	بیعت با امام علی علیه السلام
۱۳	بیعت با امام حسن علیه السلام
۱۳	بیعت با امام حسین علیه السلام
۱۳	بیعت با سایر امامان علیهم السلام
۱۳	بیعت با امام زمان علیه السلام
۱۴	فصل سوم: بیعت در روایات و ادعیه
۱۴	بیعت با مهدی از نگاه روایات
۱۷	فصل چهارم: اصحاب و یاران امام زمان علیه السلام
۱۷	اصحاب امام زمان
۱۷	وظایف و تکالیف

- فصل پنجم: بیعت‌نامه یاران مهدی علیه السلام ۱۸
- بیعت‌نامه یاران مهدی با آن حضرت ۱۸
- سند بیعت نامه ۱۸
- متن بیعت‌نامه ۱۹
- شرح و توضیح مواد بیعت‌نامه ۱۹
- دزدی نکردن ۱۹
- زنا نکردن ۲۰
- آدم‌کشی نکردن ۲۱
- هتک حرمت نکردن ۲۱
- فحش و دشنام ندادن ۲۲
- به خانه‌ای هجوم نبردن ۲۲
- کسی را نزدن ۲۳
- از حیوان ضعیف کار نکشیدن ۲۳
- با طلا آرایش نکردن ۲۳
- لباس خَزّ نپوشیدن لباس حریر و ابریشم نپوشیدن ۲۴
- کفش صدادار به پا نکردن ۲۴
- مسجدی را خراب نکردن (۷۵) ۲۵
- راه را بر کسی نبستن ۲۶
- به یتیم، ظلم و ستم نکردن ۲۶
- ناامن نکردن راه‌ها ۲۶
- با کسی مکر و حيله نکردن ۲۷
- مال یتیم را به ناحق نخوردن ۲۷
- فساد و فحشا نکردن ۲۸
- شراب نخوردن ۲۹

- ۲۹ در امانت خیانت نکردن
- ۳۰ خلاف عهد نکردن
- ۳۱ مواد غذایی را احتکار نکردن
- ۳۱ پناهنده را نکشتن
- ۳۲ شکست خورده را تعقیب نکردن
- ۳۲ خونی را به ناحق نریختن
- ۳۲ به شخص مجروح حمله نکردن
- ۳۲ لباس زبر پوشیدن
- ۳۳ خاک را متکای خود قرار دادن
- ۳۴ نان جو خوردن
- ۳۴ قناعت کردن و به کم راضی بودن
- ۳۵ در راه خدا جهاد و کوشش کردن
- ۳۵ بوی خوش استعمال کردن
- ۳۶ از پلیدی و نجاست دوری کردن
- ۳۶ امر به معروف کردن نهی از منکر نمودن
- ۳۷ به چیزی که نمی‌دانند گواهی ندادن
- ۳۷ طلا و نقره ذخیره نکردن
- ۳۸ اما آنچه که امام زمان علیه السلام برای یارانش تعهد می‌کند:
- ۳۸ نتیجه و نگاه کلی
- ۳۸ پی نوشت ها
- ۳۹ ۱ تا ۹۷
- ۴۰ ۹۸ تا ۱۵۷
- ۴۲ درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

پیمان منتظران: بیعت یاران مهدی

مشخصات کتاب

سرشناسه: سعیدی، احمد، ۱۳۴۶ - عنوان و نام پدیدآور: پیمان منتظران: بیعت نامه یاران مهدی علیه السلام / مولف احمد سعیدی. مشخصات نشر: قم: مسجد مقدس جمکران ۱۳۸۸. مشخصات ظاهری: ۱۲۶ ص. شابک: ۱۲۰۰۰ ریال ۹۷۸-۹۶۴-۹۷۳-۱۸۷-۲؛ ۱۲۰۰۰ ریال (چاپ دوم) وضعیت فهرست نویسی: فایا یادداشت: چاپ دوم: ۱۳۸۹. یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس. موضوع: محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. - - یاوران موضوع: بیعت شناسه افزوده: مسجد جمکران (قم) رده بندی کنگره: BP۲۲۴/۴/س۷۴پ۹ ۱۳۸۸ رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۶۲ شماره کتابشناسی ملی: ۱۷۳۲۷۶۱

آغاز سخن

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ، سَيِّمًا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِينَ وَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ. پروردگارا! ما کلام فرستاده‌ات را شنیدیم که فرمود: به خدایتان ایمان بیاورید. پس ایمان آوردیم و مؤمن شدیم. (۱) بارها! تو فرمودی که رسولم را اجابت و تصدیق کنی تا شما را به سر منزل مقصود برساند، پس او را اجابت کرده و تصدیق نمودیم. (۲) معبودا! نسخه سرنوشت انسان و قرآن تو که معجزه پیامبرت می‌باشد به ما رسید، پس اوامرش را شنیدیم و از نواهی‌اش پرهیز کردیم. خداوندا! با ابلاغ بیک تو، راه و رسم ایمان و زندگی و عبادت را در پیروی از ولایت و امامت ائمه دین یافتیم، آن‌گاه شیعه بودن علی و اولادش علیهم السلام را به جان خریدیم. (۳) آفریدگارا! رسول تو فرمود که بعد از من دوازده خلیفه و جانشین، دوازده هادی و مهدی، دوازده امام و راهنما خواهد بود، و مزد رسالت من فقط در محبت به اینان است، پس پیرو آنان باشید و ما نیز با جان و دل پذیرفتیم. خدا یا! یک‌یک آن امامان علیهم السلام که همان انوار درخشان دنیا و آخرت‌اند، به راهنمایی مردم زمان خود پرداختند؛ اگرچه مردم قدرشناس و جاهل و کینه‌جو، حرمت آنان را نگه نداشتند و این یازده گل هستی را پرپر نموده و شهید و مسموم کردند. اینک ماییم و آخرین امام و راهنما، ماییم و آخرین ذخیره و منجی، ماییم و آخرین سفیر الهی، وارث همه انبیا و اولیا و امامان علیهم السلام؛ ماییم و غیبت، ماییم و انتظار، ماییم و کسب آمادگی ظهور، ماییم و امید درک حضور، ماییم و شوق حکومت آن دادگستر جهان...! «بیا عهدی ببندیم!» این ندا از کیست؟ و مخاطب آن کیست؟ آیا امام، ما را می‌خواند و به راه دعوت می‌کند؟ یا ما از آن وجود مبارک می‌خواهیم و تمنا می‌کنیم؟ چه ما از تو بخواهیم که هر چه زودتر از پس پرده غیبت بدرآیی تا چهره دل‌ربای تو را مشاهده کنیم و با تو عهد ببندیم و یا تو از ما بخواهی که از راه‌های انحرافی برگردیم، از راه گناه، توبه کنیم، از راه عصیان و نافرمانی دست برداریم، و به سوی تو بیاییم، تو که بیشتر منتظر مایی و چشم به راه شیعان می‌باشی؛ زیرا تو وارث خاندان عطوفت، رحمت، رأفت و کرامتی (۴) که فرمودید: «إِنَّا غَيْرُ مُهْمِلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَلَا نَاسِيْنَ لِتِدْكِكُمْ وَ لَوْ لَا ذَلِكَ لَنَزَلْنَا بِكُمْ اللَّأْوَاءَ وَ اضْيَلْنَاكُمْ الْأَعْدَاءَ»؛ (۵) (۶) «ما شما را رها نمی‌کنیم و یادتان را از خاطر نمی‌بریم که اگر غیر از این بود طوفان حوادث و مشکلات بر شما می‌بارید و دشمنان، شما را پایمال می‌کردند». پس «خدا کند که بیایی» و خدا کند که ما هم از وسوسه‌های شیطان در امان باشیم، مبدأ و معاد را بهتر بشناسیم و چراغ هدایت را از یاد نبریم، باشد که عهدی ببندیم! رابطه امام و رهبر، با امت و اجتماع، یک نوع رابطه متقابل و دو طرفه است؛ یعنی همان طور که اجتماع و جامعه بدون رهبر و امام منجر به هرج و مرج می‌شود و امور آنان به سامان نمی‌رسد، از امام بدون امت، و رهبر بدون یاور نیز کاری بر نمی‌آید؛ هر چند آن رهبر، امام معصوم و برگزیده خدا باشد. اگر قرار است امام زمان علیه السلام ظهور کند و اوضاع جهان را سر و سامان بخشد، ظلم و ستم را بر طرف کند، و قسط و عدل را حاکم فرماید، باید گروهی و مردمی باشند تا امام با کمک آنان و یاری و همراهی ایشان به

این امور مبادرت ورزد. گفته نشود که اگر امام، برگزیده و از جانب خداست و دارای معجزه می‌باشد، پس خود به تنهایی اقدام نماید، چه نیازی به مردم؟ (۷) چون دنیا دار تکلیف و عمل است، و همه امور باید از طریق عادی و اسباب و علل معمول آن انجام گیرد، نه از راه غیر عادی و معجزه، که اگر قرار بر این بود، از همان ابتدا خدا می‌توانست کاری کند که همه مردم، مؤمن و متقی گردند. (۸) پس وجود گروهی از مردم و همراهی آنان با وجود نازنین امام زمان علیه السلام برای اقامه قسط و عدل، لازم و ضروری است. این گروه و اصحاب و یاران امام، ویژگی‌ها و وظایفی دارند که به بخش کوچکی از آن در این جزوه پرداخته می‌شود. در اینجا نام و یاد رهبر کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی قدس سره و شهدای گرانقدر انقلاب اسلامی و دفاع مقدس؛ خصوصاً هم‌زمان شهیدم: (۹) حسن مّتحدی، حمید مّتحدی، رضا مّتحدی، علی مّتحدی (اسماعیل)، علی مّتحدی (حسینعلی)، علی اکبر مّتحدی، و ید الله مّتحدی را گرامی داشته، برای سرافرازی نظام جمهوری اسلامی ایران و سلامتی مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای «حفظه الله» دعا می‌کنیم. در پایان از مدیریت محترم انتشارات مسجد مقدس جمکران حجت الاسلام و المسلمین آقای حسین احمدی قمی که زمینه نشر این اثر را فراهم نمودند و نیز از برادران واحد پژوهش؛ به خصوص حجج اسلام علی تقوی دهکلانی و احمد رضا فیض‌پور که در تنظیم آن همکاری فرمودند، کمال تشکر را داریم. والسلام قم - احمد سعیدی

پیش‌گفتار

در دوران کنونی معمولاً افراد برای به دست گرفتن حکومت و اعمال قدرت، از تشکیل حزب و گروه بهره می‌گیرند و برای رسمیت بخشیدن به آن قدرت، از انتخابات و همه‌پرسی که به عنوان دمکراسی مطرح شده، استفاده می‌کنند. لکن در زمان‌های گذشته؛ از جمله صدر اسلام، این کار به صورت بیعت انجام می‌شده است، بیعتی که از کلمه بیع گرفته شده و تداعی کننده نوعی معامله دوطرفه بین مردم و حاکم است. اما از آنجا که در آن زمان، جمعیت محدودتر بوده و همه تقریباً یکدیگر را می‌شناختند، این کار به صورت شفاهی انجام می‌شد، به این معنا که شخصاً حاضر می‌شدند و دست می‌دادند و بیعت می‌کردند؛ یعنی بر مواردی تعهد می‌دادند. این قول و قرارها آن چنان محکم و استوار بود که تا پای جان نیز می‌ایستادند و از پیمان خود دفاع می‌کردند. البته بسیار واضح است که بین رأی دادن و دست بیعت دادن خیلی فرق است؛ همچنان که بین رأی دادن برای انتخاب وکیل و وزیر و رئیس جمهور، با بیعت کردن با جان و مال با حاکم اسلامی نیز فرق بسیار است. شخص بیعت کننده، با این نیت نیست که امام معصوم را انتخاب و نصب کند؛ بلکه گویا با امام و حاکم اسلامی معامله می‌کند؛ یعنی وجدان خود را در گرو می‌گذارد، به این که او را صاحب اختیار خود بداند، فرمان او را فرمان خدا بداند و سپس از او اطاعت کند، سخنش را بشنود و او را یاری کند. در مقابل این تعهد، امام نیز دست او را می‌گیرد و به راه راست هدایت نموده، با بیان احکام اسلامی و معارف الهی، او را به قرب خدای متعال می‌رساند و سعادت دنیا و آخرتش را تضمین می‌نماید. نکته مهمی که در همین ابتدای کتاب، ذکر آن قابل توجه می‌باشد این است که برای زمان غیبت امام عصر علیه السلام در هیچ آیه و روایتی نیامده است که کسی یا مقامی یا گروهی به نام و عنوان امام زمان علیه السلام از مردم بیعت بگیرند، چنان که برخی از فرقه‌ها و گروه‌های انحرافی، مردم ساده را فریب داده، رئیس و قطب و رکن خود را به عنوان نایب یا باب یا نماینده امام زمان علیه السلام معرفی کرده و از مردم بیعت می‌گیرند. بلکه برعکس، روایات متعددی داریم که از چنین بیعت‌هایی نهی فرموده‌اند. (۱۰)

فصل اول: معانی و مراحل بیعت

معانی بیعت

بیعت و مباحثه به معنای هم‌عهدی و عقد بستن با یکدیگر به کار می‌رود؛ چنان که در کتب لغت گفته شده است: مباحثه همان معاقد و معاخذ است که گویی هر کدام از دو طرف بیعت، آنچه که نزدش می‌باشد را به دیگری واگذار کرده، خود را در اختیار او قرار می‌دهد. (۱۱) بیعت کننده تصمیم قطعی می‌گیرد و عزم قلبی محکم می‌کند به این که شخصی را که با وی بیعت نموده، با نثار جان و مال و فرزند، از وی حمایت کند و از هیچ چیزی از آنچه مربوط به او هست در راه یاری و نصرت وی دریغ ننماید و جان و مال خود را در راه آن شخص نثار کند. آنچه هم که در دعای عهد با امام زمان علیه السلام برای هر روز وارد شده بیعت به همین معناست. (۱۲) گاهی بیعت به معنای دست به هم دادن نیز به کار می‌رود؛ چنان که در بین عرب مرسوم بوده و آیه شریفه ده سوره فتح (۱۳) بر آن دلالت دارد که از لفظ دست استفاده نموده است؛ علاوه بر این که برای بیعت با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز اصحاب آن حضرت با دست دادن با ایشان بیعت می‌کردند. (۱۴) البته این دست دادن در حقیقت اظهار آن تصمیم و عزم قلبی است؛ یعنی شخص بیعت کننده با دست دادن به طرف مقابل، او را از آن تصمیم خود آگاه می‌کند و نیز علامتی است برای نشان دادن بیعت به دیگران و یا اثبات آن در هنگام اختلاف و چنان که قبلاً توضیح داده شد. (۱۵) چنین بیعتی در زمان غیبت امام عصر علیه السلام با هیچ کسی جایز نبوده و از آن نهی شده است.

بیعت قلبی

اولین مرحله بیعت، بیعت قلبی است؛ شبیه آن که مثلاً در خرید و فروش کالا، ابتدا قصد می‌کنیم و تصمیم می‌گیریم که کدام جنس را بفروشیم و فلان جنس دیگری را بخریم، اینجا نیز تصمیم قطعی می‌گیریم که چه عملی را انجام دهیم؛ مثلاً در قلب و دل خود با وجود مبارک امام زمان علیه السلام بیعت می‌کنیم، او که خلیفه خدا و بقیه الله در روی زمین است و آخرین جانشین محمد مصطفی صلی الله علیه و آله می‌باشد. وقتی می‌گوییم آخرین جانشین پیامبر خاتم است؛ یعنی نه تنها با او بیعت می‌کنیم؛ بلکه با امامان قبل از ایشان و خود رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز بیعت می‌کنیم. و متوجه و منتظر این معنا باشیم که هرگاه آن امام غایب از نظر ظهور فرمودند، با جان و دل تحت فرمان حضرتش باشیم و همیشه با همین نیت و توجه قلبی، شهمان را به روز ببریم و روزمان را به شب سحر کنیم. (۱۶) و این گونه بیعت کردن نیز جز با پیامبر و امام معصوم، جایز نیست چون بحث جان مطرح است؛ لکن چون پیامبر و امام نسبت به مؤمنان، از خودشان هم سزاوارترند، اشکالی از نظر فقهی و اعتقادی بوجود نخواهد آمد. البته چنین بیعت و انتظاری، مستلزم این است که در عمل نیز مطابق اوامر و نواهی آن حضرت رفتار نموده، آنچه که خدا و شرع مقدس از ما خواسته انجام دهیم.

بیعت زبانی

پس از مرحله بیعت قلبی، نوبت به مرحله بیعت زبانی می‌رسد. بیعت زبانی؛ یعنی همان نیت و بیعت و توجه قلبی که داشتیم را با زبان نیز ظاهر کنیم و به دیگران هم تعلیم دهیم و آنان را به این امر ترغیب و تشویق نماییم، هر کجا هستیم نام و یاد او را زنده و بزرگ بداریم و هر کجا می‌رویم به زبان بیاوریم که ما پیرو و شیعه و محب آن یار غایب از نظر هستیم، ما تابع فرمان او هستیم که هرگاه ظهور فرمایند و دستوری صادر نمایند، تا سر حد جان ایستاده‌ایم و با جان و مال و فرزندان، تحت فرمان او می‌باشیم. یکی از نمودهای بیعت زبانی، خواندن دعای عهد و زیارت صاحب الامر است که مستحب است در هر روز صبح خوانده شود. و نیز سایر زیارات و ذکرهای وارده از جانب معصومین علیهم السلام که در کتب ادعیه وارد شده است. (۱۷)

بیعت عملی

بیعت عملی یعنی؛ در آمادگی باشیم که هرگاه امام قائم‌علیه السلام ظهور فرمودند، با تمام هستی خود در خدمت و اختیار آن حضرت باشیم؛ چون او که قرار است حکومت عدل جهانی و اسلام ناب محمدی را در سراسر گیتی برقرار سازد، نیاز به یار و یاور دارد، نیاز به افرادی است که دارای ایمان کامل باشند و در آمادگی و انتظار برای فداکاری در راه امام بسر برند. در واقع بیعت عملی به معنای عمل کردن به چیزی است که هنگام پیمان و بیعت، تعهد کرده بودیم، در بیع و معامله، فروشنده متعهد شده که جنس را به خریدار تحویل دهد، اینجا نیز بیعت کننده متعهد می‌شود که هرگاه امام مطالبه جنس را بکند، دریغ نرزد و جنس در این معامله نیز جان و مال بیعت کننده بوده که نباید کوتاهی کند. معنای دیگر بیعت عملی با امام و یاور یا در رکاب ایشان بودن در زمان غیبت به این است که تمام احکام و اخلاق و آداب اسلامی را در خودمان ظاهر کرده باشیم؛ واجبات و مستحبات را انجام و از محرّمات و مکروهات اجتناب کنیم (۱۸) و در یک کلمه خود را به اعمال صالحه که دستور خدا و قرآن است مزین نماییم؛ چرا که هر جا در قرآن سخن از ایمان به میان آمده، در کنارش عمل صالح نیز ذکر شده است. (۱۹) یعنی هم ایمان قلبی لازم است و هم عمل صالح که آن ایمان را در خارج به ظهور و بروز برساند. اگر چنین شد فردی صالح خواهیم شد؛ می‌توان گفت منتظر واقعی خواهیم بود؛ چون تا کسی صالح نباشد نمی‌تواند منتظر مصلح باشد. مهدی موعود که به عنوان مصلح جهانی، معرفی و شناخته شده است که می‌آید و تمام کژی‌ها و کاستی‌ها را اصلاح می‌کند و همه مفسدات را از سر راه بر می‌دارد؛ لذا کسی که منتظر مصلح است باید خود نیز صالح باشد.

فصل دوم: موارد بیعت در صدر اسلام

موارد بیعت در اسلام

پیشینه بیعت در اسلام چگونه است؟ آیا بیعت کردن در اسلام سابقه دارد؟ چه کسی با چه کسانی بیعت کردند؟ چه زمانی و کجا بیعت کردند؟ از صدر اسلام موارد متعددی پیش آمده که مردم با پیامبر و جانشینان آن حضرت بیعت کردند. برخی بیعت‌ها اگرچه به نام اسلام و به عنوان جانشینی پیامبر انجام شده ولی مطابق با حقّ نبوده و در جهت مطامع دنیوی و با زور و تزویر بوده است. در این قسمت به برخی از موارد بیعت در صدر اسلام که به حقّ و مورد تأیید می‌باشد اشاره‌ای کوتاه خواهیم داشت.

بیعت پیامبر با اصحاب

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در مواقع متعدد و زمان و مکان مختلفی با یاران و اصحاب و مسلمانان بیعت نمودند که این بیعت‌ها گاهی فردی و گاهی جمعی، زمانی مخفی و زمانی علنی بوده است. برخی از موارد بیعت مسلمانان با پیامبر صلی الله علیه و آله که از اهمیت بیشتری برخوردار بود از این قرار است: الف) بیعت عقبه اولین بیعت و پیمان اسلامی در عقبه شهر مکه که گردنه‌ای در منی می‌باشد بین پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و دوازده نفر از تازه مسلمانان یثرب بود که در سال دوازدهم بعثت و به دور از چشم قریش و مشرکان و مخفیانه اتفاق افتاد. متن این پیمان به قرار زیر بود: ۱- برای خدا شریک قائل نشویم. ۲- دزدی و زنا نکنیم. ۳- فرزندان خود را نکشیم. ۴- به یکدیگر تهمت نزنیم. ۵- کار زشت انجام ندهیم. ۶- در کارهای نیک نافرمانی نکنیم. (۲۰) ب) بیعت عقبه دوم دومین پیمان و بیعت پیامبر با مسلمانان در شب سیزدهم ماه ذیحجه سال ۱۳ بعثت واقع شد. در این شب حدود ۷۳ نفر از مسلمانان مدینه در ملاقات با پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در عقبه ضمن تأکید بر پیمان قبلی، این گونه بیعت کردند که همان طور که از فرزندان و اهل بیت خود دفاع می‌کنند، از رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز دفاع نمایند. بیعت آنان به این صورت بود که ابتدا سه نفر از حاضران بلند شدند و با پیامبر دست بیعت دادند، سپس تمام جمعیت به تدریج بیعت کردند. (۲۱) این دو پیمان

مخصوص انصار بود که مهاجران در آن شرکت نداشتند. (۲۲) ج) بیعت رضوان سال ششم هجری و در سفر پیامبر و مسلمانان از مدینه به مکه که منجر به صلح حدیبیه شد، قبل از انعقاد صلح، چند نماینده از طرف پیامبر و مشرکان قریش با هم ملاقات کردند. در یک مورد برگشت نماینده مسلمانان که به میان مشرکان رفته بود به تأخیر افتاد و حتی خبر رسید که وی را به قتل رساندند. پیامبر تصمیم گرفت پیمان خود را با مسلمانان تجدید کند؛ لذا در زیر درختی نشست و تمام یاران و اصحابش با او به عنوان بیعت دست دادند و سوگند یاد کردند که تا آخرین نفس از حریم اسلام دفاع کنند. خداوند نیز از این بیعت راضی گشت و این آیه شریفه نازل شد: «لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَيَّعُواكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَابَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا وَمَغَانِمَ كَثِيرَةً يَأْخُذُونَهَا وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا»؛ (۲۳) خداوند از مؤمنان هنگامی که در زیر آن درخت با تو بیعت کردند راضی و خشنود شد؛ خدا آنچه را در درون دل‌هایشان (از ایمان و صداقت) نهفته بود می‌دانست؛ از این رو آرامش را بر دل‌هایشان نازل کرد و پیروزی نزدیکی بعنوان پاداش نصیب آن‌ها فرمود؛ و (همچنین) غنایم بسیاری که آن را به دست می‌آورید؛ و خداوند شکست‌ناپذیر و حکیم است! یعنی نه تنها از این کار پیامبر و مسلمانان راضی بود بلکه به آنان مژده داد که به زودی نیز فتح و پیروزی و غنیمت‌های فراوان نصیب شما خواهد شد. و سپس این آیه نازل شد: «إِنَّ الَّذِينَ بَيَّعُواكَ إِنَّمَا بَيَّعُوا اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَىٰ نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَىٰ بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَمَ يُوْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا»؛ (۲۴) کسانی که با تو بیعت می‌کنند (در حقیقت) تنها با خدا بیعت می‌نمایند، و دست خدا بالای دست آن‌هاست؛ پس هر کس پیمان‌شکنی کند، تنها به زیان خود پیمان شکسته است؛ و آن کس که نسبت به عهدی که با خدا بسته وفا کند، بزودی پاداش عظیمی به او خواهد داد. این یک بیعت عمومی و علنی بود که بر خلاف دو بیعت قبلی، هم مهاجران و هم انصار در آن شرکت داشتند. (۲۵) د) بیعت النساء پس از فتح مکه، برای اولین بار و به طور رسمی پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله از زنان بیعت گرفت که به بیعت النساء معروف شد؛ اگرچه در بیعت عقبه دوم هم سه نفر از زنان حاضر بودند. مفاد این پیمان بنابر آیه شریفه چنین بود: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يَبِيَعُكَ عَلَىٰ أَنْ لَا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِبُهْتَانٍ يَفْتَرِينَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعْصِينَكَ فِي مَعْرُوفٍ فَبَايَعْنَهُنَّ وَأَسْتَعْفِفْنَ لَهُنَّ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ»؛ (۲۶) ای پیامبر! هنگامی که زنان مؤمن نزد تو آیند و با تو بیعت کنند که چیزی را شریک خدا قرار ندهند، دزدی و زنا نکنند، فرزندان خود را نکشند، تهمت و افترا بی پیش دست و پای خود نیاورند و در هیچ کار شایسته‌ای مخالفت فرمان تو نکنند، با آن‌ها بیعت کن و برای آنان از درگاه خداوند آموزش بطلب که خداوند آمرزنده و مهربان است! برای تشریفات بیعت نیز پیامبر صلی الله علیه وآله دستور داد ظرف آبی آوردند و مقداری آب و عطر در آن ریختند، سپس پیامبر دست خود را در آن آب گذاشت و آیه فوق را قرائت فرمود؛ سپس برخاست و به زنان فرمود هر که حاضر است با شرایط فوق بیعت کند، دست در ظرف آب نماید. (۲۷)

بیعت با امام علی علیه السلام

برای امیرمؤمنان علیه السلام دو بیعت بسیار بزرگ و مهم واقع شد که برای کسی چنین سابقه نداشت: الف) اولین بیعت با امیر مؤمنان علیه السلام که علنی‌ترین و بزرگ‌ترین بیعت در تاریخ صدر اسلام است همان واقعه غدیر می‌باشد که خداوند متعال با نزول این آیه شریفه: «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ»؛ (۲۸) ای پیامبر! آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است، کاملاً (به مردم) برسان! و اگر انجام ندهی، رسالت او را انجام نداده‌ای! خداوند تو را از (خطرات احتمالی) مردم، نگاه می‌دارد؛ و خداوند، جمعیت کافران (لجوج) را هدایت نمی‌کند. پیامبر را دستور داد که در آخرین حج خود و در مجمع عمومی مسلمانان، امامت امیر مؤمنان علیه السلام را اعلان کند و از آنان بیعت بگیرد. بیعت با امام علی علیه السلام در روز غدیر بسیار با شکوه بود که همه در حضور خدا و رسول خدا صلی الله علیه

و آله آمدند و با امام و خلیفه اول و بلافصل پیامبر دست بیعت دادند؛ حتی زنان نیز با زدن دست خود در ظرف آبی که امام علی علیه السلام دست خود را در آن گذاشته بود، بیعت کردند؛ اما صد افسوس و هزاران افسوس که بزرگ‌ترین و مهم‌ترین بیعت اسلامی، شکسته و به فراموشی گذاشته شد ... ب) بیعت دوم مسلمانان با امیر مؤمنان علیه السلام در زمانی به وقوع پیوست که خلیفه سوم مسلمانان بر اثر به ستوه آمدن مردم از ظلم و بی‌عدالتی حاکمان و والیان وی، توسط عده‌ای کشته شد. اینجا بود که مردم تشنه عدالت، پس از ۲۵ سال گمراهی به خانه امام علی علیه السلام هجوم آوردند و تقاضای بیعت کردند. این بیعت نیز بر خلاف بیعت با سه خلیفه دیگر، بسیار باشکوه و مردمی و با رضایت کامل انجام شد.

بیعت با امام حسن علیه السلام

در سحر روز ۱۹ ماه مبارک رمضان سال چهل هجری قمری که فرق عدل مجسم، با شمشیر زهر آگین ابن ملجم مرادی ضربت خورد و در بیست و یکم همان ماه امیر مؤمنان علیه السلام به شهادت رسید، با انتقال علم امامت و علم هدایت به امام حسن علیه السلام مردم با او بیعت کردند.

بیعت با امام حسین علیه السلام

طبق قرارداد صلح معاویه با امام مجتبی علیه السلام قرار بود تا معاویه زنده است به کار خودش ادامه دهد؛ اما برای پس از مرگش کاری به خلافت نداشته باشد؛ لذا امام حسین علیه السلام نیز بعد از شهادت امام حسن علیه السلام به صلح برادرش پایبند بود. لکن معاویه که از همان ابتدا پیمان صلح را نقض کرده بود، در اواخر عمر ننگین خود، فرزندش یزید را به عنوان خلیفه معین و از مردم بیعت گرفت. بنابراین موقعیتی برای امام حسین علیه السلام باقی نماند، تا این که مردم کوفه با ارسال نامه‌های فراوان، پیشنهاد بیعت و یاری وی را مطرح کردند. درست است که مردم کوفه مستقیماً با امام حسین علیه السلام بیعت نکردند؛ لکن با سفیر و نماینده ویژه ایشان مسلم بن عقیل بیعت و اعلام وفاداری نمودند و به همین جهت سید الشهداء از مکه به سوی آنان حرکت کرد؛ اگرچه همین مردم نیز به هنگام نیاز، به سبب تطمیع و تهدید و جوّ رعب و وحشتی که توسط عبیدالله بن زیاد درست شده بود، پیمان و بیعت خود را فراموش کردند.

بیعت با سایر امامان علیهم السلام

پس از شهادت امام حسین علیه السلام چون زمینه برای تشکیل حکومت اسلامی و ولایی وجود نداشت، لذا بحث بیعت گرفتن نیز پیش نیامد. و امام سجاده علیه السلام هم معارف اسلامی و اخلاقی را در قالب دعا و زیارت و مناجات به شیعیان منتقل می‌فرمود. امام باقر و امام صادق علیهما السلام نیز اگر چه هزاران شاگرد و مستمع حدیث داشتند؛ ولی نه همه آنان اهل عمل بودند و نه فرصت گرفتن بیعت عملی پیش آمد. بقیه امامان معصوم و مظلوم شیعه علیهم السلام نیز هر یک به نوعی در حصر و زندان و تبعید بودند؛ امام کاظم علیه السلام از این زندان به آن زندان، امام رضا و امام جواد علیهما السلام در دارالحکومه عباسی و امامین عسکریین علیهما السلام نیز در پادگان نظامی و در یک زندان بزرگ محصور بودند؛ لذا نسبت به این امامان عزیز، فقط شیعیان خاص، آن هم به صورت فردی و مخفیانه بحث بیعت پیش آمد.

بیعت با امام زمان علیه السلام

مهدی موعود و امام آخرالزمان علیه السلام که برای تشکیل حکومت جهانی اسلامی ظهور خواهند کرد و این ظهور وعده خداست

در قرآن و خداوند از وعده‌اش تخلف نخواهد کرد. مهدی زهراعلیهما السلام طبق همان سنت و سیره پیامبر و امامان معصوم علیهم السلام و برای مبارزه با ظالمان و گردن‌کشان و اجرای عدالت، با یاران و اصحاب خود بر سر اصولی بیعت خواهد فرمود. لذا بر یک مسلمان و یک شیعه واجب است که همیشه بیعت امام زمان را بر گردن داشته باشد. از جمله دلایل وجوب بیعت با تمام امامان، به خصوص امام زمان علیه السلام، فرمایشی است که در خطبه غدیریه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است، که آن حضرت، مردم را به بیعت کردن با امیر مؤمنان و حسن و حسین و امامان از فرزندان حسین علیهم السلام امر فرموده و عهد و پیمان به اطاعت ایشان را به مردم تلقین کرد که بگویند: ما شنیدیم و اطاعت نمودیم و راضی و مطیع هستیم به آنچه که از جانب پروردگارت ابلاغ فرمودید در مورد علی و امامان از فرزندان ایشان، پس با دل و جان و زبان و دست، بیعت می‌کنیم و با همین عقیده زنده‌ایم و خواهیم مُرد. (۲۹) همچنین این حدیث معروف که بیشتر در کتب اهل سنت نیز آمده است که امام صادق علیه السلام فرمایش نمودند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده‌اند: «من مات و لیس علیه امام فمیتته میتة جاهلیة»؛ «هر کسی بمیرد در حالی که نسبت به امام مسلمین بیعتی بر گردن او نباشد، به مرگ جاهلیت مرده است». (۳۰) پس اصل بیعت که ایمان نیز جز به آن محقق نمی‌شود، واجب است؛ چون اصل ایمان همان التزام با دل و زبان، به اطاعت و فرمان پیامبر و امام معصوم، با مال و جان می‌باشد.

فصل سوم: بیعت در روایات و ادعیه

بیعت با مهدی از نگاه روایات

در این زمینه از هر یک از پیامبر و امامان علیهم السلام روایاتی وارد شده که چند نمونه از آنها را نقل می‌کنیم: الف) از رسول خدا صلی الله علیه و آله؛ ایشان در مورد بیعت با امام زمان علیه السلام بیانات متعددی دارند؛ از جمله فرمودند: ۱ - «انه یبایع بین الرکن و المقام، اسمه احمد و عبدالله و المهدي»؛ (۳۱) با مهدی علیه السلام بین رکن و مقام بیعت می‌شود، اسم او احمد و عبدالله و مهدی است. ۲ - «یبایع المهدي بین الرکن و المقام، لایوقظ نائماً و لایهریق دماً»؛ «با مهدی بین رکن و مقام بیعت می‌شود، نه خوابیده‌ای بیدار می‌شود، و نه خونی ریخته می‌شود». ۳ - «یا علی! لو لم یبق من الدنیا الا- یوم واحد لطول الله ذلک الیوم حتی یملک رجل من عترتک یقال له المهدي، یهدی الی الله عزّ و جلّ و یهدی به العرب کما هدیت انت الکفار و المشرکین من الظلاله». ثم قال: و مکتوب علی راحته: بايعوه بان البيعة لله عزّوجلّ؛ (۳۲) ای علی! اگر از عمر دنیا فقط یک روز باقی مانده باشد خداوند آن یک روز را آنقدر طولانی می‌گرداند تا آن که مردی از عترت تو را مالک آن کند؛ به او مهدی گفته می‌شود، به سوی خدا هدایت می‌کند و عرب به وسیله او هدایت می‌شود؛ همان طور که تو کافران و مشرکان را از تاریکی و گمراهی هدایت کردی. آن‌گاه فرمود: در پیش روی او نوشته شده با او بیعت کنید که همانا بیعت با او از آن خداست. ۴ - این حدیث را راویان زیادی نقل کردند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: بر روی پرچم مهدی نوشته شده: «البيعة لله»؛ (۳۳) یعنی بیعت با او، بیعت با خدا و برای خداست. همان طور که در بیعت مردم با رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز آیه شریفه فرمود که بیعت شما بیعت با خدا بوده است. (۳۴) ب) امام علی علیه السلام نیز در موارد متعددی به مسئله بیعت با ولی عصر علیه السلام پرداخته‌اند؛ به خصوص در حدیث مفصلی که موضوع اصلی این کتاب را ترتیب داده است که در جای خود می‌آوریم. ج) امام باقر علیه السلام در این زمینه فرمودند: «یبایع القائم بمکه علی کتاب الله و سنه رسول، و يستعمل علی مکه ثم یسیر نحو المدینة...». (۳۵) با امام زمان و قائم آل محمد علیهم السلام در مکه بیعت می‌شود که طبق احکام قرآن و سنت پیامبرش عمل نمایند، آن‌گاه حاکمی را در مکه می‌گمارد و به سمت مدینه حرکت می‌کند. در مورد بیعت با امام زمان علیه السلام روایات متعدد دیگری از امام باقر علیه السلام نقل شده که

می‌توان به کتب مربوطه مراجعه کرد. (۳۶) د) مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که حضرت فرمودند: «هنگامی که خداوند اذن ظهور بفرماید، حضرت قائم علیه السلام به منبر می‌رود و مردم را به طرف خود می‌خواند. در این موقع جبرئیل نیز نازل می‌شود و از حضرت پیرامون دعوتش می‌پرسد و جواب می‌شنود؛ آن‌گاه جبرئیل می‌گوید: انا أول من یبایعک، ابسط یدک. من اولین کسی هستم که با تو بیعت می‌کنم، دستت را دراز کن. پس جبرئیل دست او را مسح می‌کند و حدود ۳۱۳ نفر نیز با آن حضرت بیعت می‌کنند. این افراد در مکه می‌مانند تا تعداد اصحاب به ده‌ها هزار می‌رسد؛ آن‌گاه به طرف مدینه حرکت می‌کنند. (۳۷) بنا بر آنچه گفته شد در ابتدا چند گروه با امام بیعت خواهند کرد: اول جبرئیل امین است. آن‌گاه اصحاب خاص امام، که ۳۱۳ نفر می‌باشند. بعد اصحاب عام آن حضرت که هزاران نفر هستند و از شهرهای دیگر به گرد ایشان جمع می‌شوند. و سپس سایر مردمی که در مکه بوده و به ایشان ایمان می‌آورند. تجدید و تحکیم بیعت در ادعیه هر شیعه مخلص و یاور امام زمان علیه السلام با آن حضرت بیعت و پیمان دارد که در سراسر زندگی، احکام و فرامین اسلامی را رعایت نموده، عملاً منتظر ظهور قائم آل محمّد علیهم السلام باشد و این عهد و پیمان را در هر روز و ساعت تجدید کند. همان‌طور که گفتیم، اصل بیعت واجب است؛ اما تجدید و تحکیم آن نیز خصوصاً در روز جمعه مستحب است؛ به جهت این که اولاً این روز به نام مبارک آن امام می‌باشد و ثانیاً هر کار نیکی در این روز، ثواب و پاداش مضاعف دارد. بنابراین خوب است در هر روز صبح با دعای عهد، این بیعت را تحکیم کنیم. دعای عهد از دعاهای ارزشمند وجود مبارک امام صادق علیه السلام است که علاوه بر آموزه‌های والایش، اهم وظایف نیایشی منتظران مهدی موجود موعود علیه السلام را در بر دارد. معارف توحیدی، لزوم ارتباط دائم با امام عصر علیه السلام استقامت و استمرار در دفاع از آن حضرت، معرفی رئوس برنامه‌های حکومت امام عصر علیه السلام و مانند آن‌ها، از معارف والایی است که این دعای نورانی به ما می‌آموزاند. در اولین فقرات این دعای نورانی، دعا کننده با زمزمه کلمات توحیدی، خداوند را می‌ستاید و به ربوبیت او اقرار می‌کند و فرستادن رسل و انزال کتب و تشریح ادیان الهی را از جلوه‌های ربوبی او برمی‌شمرد. آن‌گاه با توسل به عظمت اسمای الهی و سرمدیت ذات باری از وی می‌خواهد تا درود و صلواتش را به پیشگاه امام قائم به امر خداوند سبحان، ابلاغ فرماید. این مطلع مبارک بیانگر اتصال مقام امامت به توحید و نیز طریق منحصر معرفت امام و ارتباط با مقام منبع اوست؛ زیرا تا کسی توحید را در نیابد و به ربوبیت خدای بزرگ ایمان نیاورد، به معرفت امام و ارتباط با او بار نمی‌یابد. در فقرات بعدی، داعی منتظر، عهدی را با امام خویش می‌بندد و با شاهد گرفتن خدای سبحان بر آن تأکید می‌کند که بر اساس آن همواره در هر زمانی و مکانی از یاران امام عصر علیه السلام باشد و در دفاع از او از هیچ کوششی دریغ نرزد و در اجرای منویات امام عصر علیه السلام به سرعت روی آورد و جان خویش را در این مسیر بذل کند. سپس از خدای بزرگ، زیارت آن مظهر جمال و جلال الهی را خواسته و با بیان سبب فساد عالم که همانا تباهی انسان است، عاجزانه از درگاه خداوند، ظهور حجت خدا را خواستار می‌شود. این فقرات که بازگو کننده احوال درونی منتظران راستین آن حضرت است، جنبه‌هایی دیگر از ابعاد انتظار حقیقی را به منتظران آموخته و حیات جامعه را مرهون ظهور فرخنده آثار امام زمان علیه السلام می‌داند. فقرات پایانی این دعای مبارک نیز ناظر به برنامه‌های حکومت آن حضرت است و دعاگونه به بیان اموری می‌پردازد که آخرین حجت خدا، هنگام ظهور به آن‌ها خواهد پرداخت. (۳۸)

از حضرت صادق علیه السلام نقل شده است که هر که چهل صباح این عهد را بخواند از یاوران قائم ما باشد و اگر پیش از ظهور آن حضرت بمیرد خدا او را از قبر بیرون آورد که در خدمت آن حضرت باشد و حق تعالی به هر کلمه هزار حسنه او را کرامت فرماید و هزار گناه از او محو کند و آن عهد این است: اَللّٰهُمَّ رَبَّ النُّوْرِ الْعَظِيْمِ، وَرَبَّ الْكُرْسِيِّ الرَّفِيْعِ، وَرَبَّ الْبَحْرِ الْمَسْجُوْرِ، وَمُنْزِلَ التَّوْرَةِ وَالْاِنْجِيْلِ وَالزَّبُوْرِ، وَرَبَّ الظِّلِّ وَالْحَرُوْرِ، وَمُنْزِلَ الْقُرْآنِ [الْفُرْقَانِ الْعَظِيْمِ، وَرَبَّ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِيْنَ وَالْاَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِيْنَ. اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْتَمْلِكُ بِوَجْهِكَ [بِاسْمِكَ] الْكُرِيْمِ، وَبُنُوْرِ وَجْهِكَ الْمُنِيْرِ، وَمَمْلِكِكَ الْقَدِيْمِ، يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ، اَسْتَمْلِكُ بِاسْمِكَ الَّذِيْ اَشْرَقَتْ بِهِ السَّمَاوَاتُ وَالْاَرْضُوْنَ، وَبِاسْمِكَ الَّذِيْ يَضِلُّحُ بِهِ الْاُمُوْلُوْنَ وَالْاَمْوَالُ، يَا حَيًّا قَبْلَ كُلِّ حَيٍّ، وَيَا حَيًّا بَعْدَ كُلِّ حَيٍّ، وَيَا حَيًّا حِيْنَ لَا حَيٍّ، يَا مُحْيِيَّ

الْمُوتَى وَمَمِيتَ الْأَحْيَاءِ، يَا حَى لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ. اللَّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَانَا الْإِمَامَ الْهَادِيَ الْمَهْدِيَّ، الْقَائِمَ بِأَمْرِكَ، صَلِّواتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ الطَّاهِرِينَ، عَنْ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ، فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا، سَهْلِهَا وَجَبَلِهَا، وَبَرِّهَا وَبَحْرِهَا، وَعَنِّي وَعَنْ وَالِدَتِي مِنَ الصَّلَوَاتِ زِنَةَ عَرْشِ اللَّهِ، وَمَدَادِ كَلِمَاتِهِ، وَمَا أَحْصَاهُ عِلْمُهُ [كِتَابُهُ]، وَأَحَاطَ بِهِ كِتَابُهُ [عِلْمُهُ]. اللَّهُمَّ إِنِّي أُخَيِّدُكَ لَهُ فِي صَبِيحَتِهِ يَوْمِي هَذَا، وَمَا عِشْتُ مِنْ أَيَّامِي عَهْدًا وَعَقْدًا وَيَعِيَةً لَهُ فِي عُنُقِي، لَا أَحُولُ عَنْهَا وَلَا أُزُولُ أَبَدًا. اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ وَالذَّائِبِينَ عَنْهُ، وَالْمُسَارِعِينَ إِلَيْهِ فِي قَضَاءِ حَوَائِجِهِ، وَالْمُتَمَتِّلِينَ لِأَوَامِرِهِ، وَالْمُحَامِلِينَ عَنْهُ، وَالسَّابِقِينَ إِلَى إِرَادَتِهِ، وَالْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ. اللَّهُمَّ إِنْ حَالَ بَيْنِي وَبَيْنَهُ الْمَوْتُ الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَى عِبَادِكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا، فَأَخْرِجْنِي مِنْ قَبْرِى مُؤْتَرًّا كَفَيْنى، شَاهِرًا سَيِّفِي، مُجَرِّدًا قَنَاتِي، مُلَبِّيًا دَعْوَةَ الدَّاعِي فِي الْحَاضِرِ وَالْبَادِي. اللَّهُمَّ أَرِنِي الطَّلَعَةَ الرَّشِيدَةَ، وَالْعُرَّةَ الْحَمِيدَةَ، وَاكْحُلْ نَاطِرِي بِنَظَرِهِ مِنِّي إِلَيْهِ، وَعَجِّلْ فَرَجَهُ، وَسَهِّلْ مَخْرَجَهُ، وَأَوْسِعْ مَنَهْجَهُ، وَاسْلُكْ بِي مَحَجَّتَهُ، وَأَنْفِذْ أَمْرَهُ، وَأَشْدُدْ أَرْزُهُ، وَأَعْمِرِ اللَّهُمَّ بِهِ بِلَادَكَ، وَأَخِي بِهِ عِبَادَكَ، فَإِنَّكَ قُلْتَ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ: ظَهَرَ الْفُسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ، فَأَظْهِرِ اللَّهُمَّ لَنَاوَلِيكَ وَابْنَ بِنْتِ نَبِيِّكَ الْمَسِيَّ بِاسْمِ رَسُولِكَ، حَتَّى لَا يَظْفَرَ بِشَيْءٍ مِنَ الْبَاطِلِ إِلَّا مَرْقَةً، وَيَحِقُّ الْحَقُّ وَيَحَقُّقُهُ، وَاجْعَلْهُ اللَّهُمَّ مَفْرَعًا لِمَظْلُومِ عِبَادِكَ، وَنَاصِرًا لِمَنْ لَا يَجِدُ لَهُ نَاصِرًا غَيْرَكَ، وَمُجَدِّدًا لِمَا عَطَلَ مِنْ أَحْكَامِ كِتَابِكَ، وَمُشِيدًا لِمَا وَرَدَ مِنْ أَعْلَامِ دِينِكَ، وَسَيِّئِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَاجْعَلْهُ اللَّهُمَّ مَمَّنْ حَصَّنْتَهُ مِنْ بَأْسِ الْمُعْتَدِينَ. اللَّهُمَّ وَسِّرْ نَبِيَّكَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِرُؤْيَيْتِهِ، وَمِنْ تَبَعِهِ عَلَى دَعْوَتِهِ، وَارْحَمِ اسْتِكَانَتَنَا بَعْدَهُ. اللَّهُمَّ اكْشِفْ هَذِهِ الْعَمَّةَ عَنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ بِحُضُورِهِ، وَعَجِّلْ لَنَا ظُهُورَهُ، إِنَّهُمْ يَرُونَهُ بَعِيدًا وَنَرَاهُ قَرِيبًا، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ پس سه مرتبه دست بر ران راست خود می‌زنی و در هر مرتبه می‌گویی: الْعَجَلُ الْعَجَلُ يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ «(۳۹) خدایا! ای پروردگار نور بزرگ، و پروردگار کرسی بلند، و پروردگار دریای جوشان، و فرو فرستنده تورات و انجیل و زبور، و پروردگار سایه و آفتاب داغ، و فرو فرستنده قرآن بزرگ، و پروردگار فرشتگان مقرب و پیامبران و مرسلین، خدایا! از تو می‌خواهم به ذات بزرگوارت و به نور جمال تابانت و فرمانروایی دیرینه‌ات، ای زنده پاینده! از تو می‌خواهم بدان نامت که روشن شد بدان آسمان‌ها و زمین‌ها، و بدان نامت که پیشینیان و پسینیان، بدان شایسته گشتند، ای زنده پیش از هر موجودی و ای زنده پس از هر موجود زنده‌ای و ای زنده در آن هنگام که زنده‌ای وجود نداشت، ای زنده کننده مردگان، و ای میراننده مردگان، ای زنده‌ای که معبودی جز تو نیست، خدایا برسان به مولایمان آن امام راهنمای راه یافته و قیام کننده به فرمان تو، (که دروهای خدا بر او و پدران پاکش باد) از طرف همه مردان و زنان با ایمان، در شرق و غرب عالم، در دشت و کوه آن، در خشکی و دریای آن، از طرف من و پدر و مادرم، دروهای هم‌وزن عرش خدا و شماره کلمات و سخنان او و آنچه را دانشش احصاء کرده و کتاب و دفترش بدان احاطه دارد. خدایا من تازه می‌کنم در بامداد این روز و تا هر روزی که زندگی کنم از روزهای دیگر عهد و پیمان و بیعتی برای آن حضرت در گردنم که هرگز از آن سرنیچم و از آن دست نکشم. خدایا قرار ده مرا از یاران و کمک کارانش و دفاع کنندگان از او و شتابندگان به سوی او، در بر آوردن خواسته‌هایش و انجام دستورات و اوامرش و مدافعین از آن حضرت و پیشی گیرندگان به سوی اراده‌اش و شهادت‌یافتگان پیش رویش. خدایا اگر حایل شد میان من و او آن مرگی که بر بندگانت حتمی قرار داده‌ای، پس بیرون بیاور مرا از گورم در حالی که کفن به خود پیچیده، با شمشیر آخته و نیزه برهنه، پاسخ گویان به ندای آن خواننده بزرگوار در شهر و بادیه. خدایا بنمایان به من آن جمال ارجمند و آن پیشانی نورانی پسندیده را و سرمه وصال دیدارش را به یک نگاه به دیده‌ام بکش و شتاب کن در ظهورش و آسان بگردان خروجش را و وسیع گردان راهش را و مرا به راه او در آور و دستورش را نافذ گردان و پشتش را محکم کن. خدایا! به دست او شهرها و بلاد را آباد گردان و بندگانت را زنده گردان، زیرا تو خود فرمودی و گفته‌ات نیز حق است: «آشکار شد تبهکاری در خشکی و دریا به جهت کرده‌های مردم»؛ پس آشکار کن خدایا برای ما نماینده‌ات را و فرزند دختر پیامبرت که همانم رسول توست تا دست نیابد به هیچ باطلی جز این که آن را از هم بدراند و پابرجا کند حق را و ثابت نماید آن را. خدایا! آن بزرگوار را پناهگاه ستم دیدگان از بندگانت قرار ده و یاور کسی که جز تو یآوری برایش نیست و تازه کننده احکامی از کتابت که

تعطیل مانده و محکم کننده آنچه از نشانه‌های دین و آیینت و سنت‌های پیامبرت که درود خدا بر او و آتش باد. خدایا! قرار بده او را از کسانی که از حمله زورگویان نگاهش داشته‌ای، خدایا! شاد گردان به دیدارش، دل پیامبرت محمد که درود خدا بر او و آتش باد، و همچنین هر که در دعوتش از آن حضرت پیروی کرده و رحم کن به بیچارگی ما پس از آن حضرت. خدایا بگشا این اندوه را از این امت با حضور امام زمان و شتاب کن برای ما در ظهور آن جناب که دشمنان آن را دور پندارند ولی ما نزدیک می‌بینیم، به حق مهر و رحمت تو ای مهربان‌ترین مهربانان! همچنین است تجدید عهدی دیگر که در زیارت امام زمان علیه السلام آمده که اول آن چنین است: «اللهم بلغ مولای صاحب الزمان...». و خواندن آن طبق روایتی که از امام صادق علیه السلام رسیده در هر روز بعد از هر نماز واجب یا بعد از نماز صبح تأکید شده و در قسمتی از آن آمده است: «اللَّهُمَّ إِنِّي أُجَدِّدُ لَهُ فِي هَذَا الْيَوْمِ وَفِي كُلِّ يَوْمٍ عَهْدًا وَعَقْدًا وَيَبْعُهُ فِي رَقَبَتِي»؛ (۴۰) خدایا من تجدید و تأکید می‌کنم در این روز و در هر روز برای آن جناب عهد و پیمان و بیعتی را در گردنم. مؤلف بحار الانوار مرحوم علامه مجلسی نقل کرده که در برخی از کتب قدیمه دیده‌ام که بعد از این دعا دست راست خود را بر دست چپ بزند مثل دست دادن در بیعت. (۴۱)

فصل چهارم: اصحاب و یاران امام زمان علیه السلام

اصحاب امام زمان

یاران و اصحاب امام زمان علیه السلام بر دو دسته‌اند: اصحاب خاص و اصحاب عام؛ اصحاب خاص که تعدادشان ۳۱۳ نفر است (۴۲) دارای ویژگی‌های خاصی هستند؛ از جمله این که: دارای ایمانی قوی، اخلاص بالا، قدرت و شجاعت زیاد، و بیشتر جوان، و پر استقامت و پایدار هستند، زاهدان شب، قهرمان و جان‌نثار روز هستند، آرزوی شهادت دارند، در اولین فرصت و لحظه ظهور و به سرعت به گرد حضرت جمع می‌شوند و اعلان وفاداری می‌کنند، به جهت شایستگی که دارند، می‌توانند از کارگزاران و فرماندهان بزرگ امام باشند. (۴۳) اما اصحاب عام امام؛ یعنی یاوران ایشان، در درجه بعدی از اصحاب خاص قرار دارند، تعدادشان بیشتر است، در حلقه‌های بعدی از حضور و بیعت هستند؛ اینان نیز مؤمنان صالحی هستند که در مکه و غیر آن به حضور مولایشان امام زمان علیه السلام می‌رسند و در زیر پرچم آن حضرت با دشمنان می‌جنگند.

وظایف و تکالیف

بعضی از وظایف یک مسلمان و منتظر ظهور امام عصر علیه السلام علاوه بر آنچه که باید به احکام اسلامی عمل نماید و از منکرات و گناهان اجتناب کند، بدین شرح می‌باشد: (۴۴) ۱. معرفت و شناخت امام زمان علیه السلام؛ ۲. آشنایی با صفات و ویژگی‌های ایشان؛ ۳. دوستی و محبت ویژه با آن حضرت؛ ۴. محبوب نمودن ایشان در بین مردم؛ ۵. بیان مناقب و فضایل آن بزرگوار؛ ۶. حضور در مجالس ذکر مناقب و فضایل ایشان؛ ۷. ایمان به حتمی بودن ظهور مهدی علیه السلام؛ ۸. دعا کردن برای سلامتی امام؛ ۹. انتظار فرج ایشان را داشتن؛ ۱۰. تسلیم بودن به وقت ظهور؛ ۱۱. رعایت ادب نسبت به نام و یاد امام؛ ۱۲. زیاد دعا کردن برای فرج؛ ۱۳. تمسک به ولایت امام غایب؛ ۱۴. صبوری و تمسک به دین حق در فتنه‌ها؛ ۱۵. مقابله با شبهات و اشکالات؛ ۱۶. تجدید بیعت و استقامت بر اطاعت؛ ۱۷. کمک و یاری برادران مؤمن؛ ۱۸. صدقه دادن به نیابت و برای سلامتی امام؛ ۱۹. انجام اعمال عبادی به نیابت از ایشان؛ از جمله زیارت و حج و نماز و قرائت قرآن و توسل و غیره؛ ۲۰. بزرگداشت اماکن و ایامی که به نام و یاد آن حضرت می‌باشد؛ ۲۱. اظهار اشتیاق دیدار آن بزرگوار؛ ۲۲. اهتمام و تصمیم قلبی بر یاری رساندن آن حضرت؛ ۲۳. تجدید بیعت همیشگی و همه روزه به خصوص در روز جمعه؛ ۲۴. قرائت دعاها و زیارات مربوطه: دعای سلامتی امام، دعای فرج،

دعای اللهم عرفنی، دعای غریق، دعای عهد... (۴۵)

فصل پنجم: بیعت‌نامه یاران مهدی علیه السلام

بیعت‌نامه یاران مهدی با آن حضرت

وجود نجات‌بخشی که همه ادیان الهی وعده داده‌اند و ظهور آن منجی و امامی که همه انسان‌های آزادی‌خواه و عدالت‌طلب جهان در انتظار اویند، قانون حتمی خداوندی است. (۴۶) او در زمانی خواهد آمد که همه از ظلم و ستم ظالمان به فغان آمده باشند و امید به هیچ کسی و هیچ جایی نداشته باشند. او خواهد آمد و به کمک یاران خود، بساط ظلم و ستم را برمی‌چیند. لکن برچیدن ظلم و فساد نیز به این سادگی نبوده؛ بلکه به جهاد و مبارزه سخت و بی‌امان و کشتن و کشته شدن نیاز دارد؛ لذا آنان که انتظار مهدی موعود علیه السلام را می‌کشند، آنان که مشتاق یاری امام زمان علیه السلام هستند، آنان که خواهان همراهی قائم آل محمد علیهم السلام هستند، آنان که می‌خواهند همانند عهد جاهلیت نمیرند، باید از هر لحاظ آماده باشند، خود را برای یک مبارزه سخت و پیگیر مهیا نمایند. چون یاران آن دادگستر جهان باید دارای چنان ویژگی‌هایی باشند که تاب استقامت و پایداری در جهاد را داشته باشند. به همین جهت است که وقتی حضرت ظهور می‌کنند، با یاران خود بر اصولی بیعت می‌نمایند؛ یعنی علاوه بر رعایت تمام احکام الهی، از واجبات و محرمات که بر عهده هر مسلمانی است، باید به مواردی که در زندگی اجتماعی اهمیت بیشتری دارد نیز عنایت خاصی بشود. ان شاء الله برخی از بندهای بیعت‌نامه یاران مهدی علیه السلام که از کلام امیرمؤمنان علیه السلام نقل شده است، را در این جزوه توضیح خواهیم داد:

سند بیعت‌نامه

مرحوم سید بن طاووس که از علمای بزرگ شیعه بوده، و به زیارت وجود مقدس امام زمان علیه السلام نیز مشرف شده و تألیفات متعدد و گرانسنگی از او به جا مانده است، در کتاب «الملاحم و الفتن» خود به نقل از کتاب «الفتن» ابو صالح سلیلی می‌نویسد: حسن بن علی مالکی از ابونصر علی بن حمید رافعی چنین حدیث کرده که محمد بن هیثم بصری از سلیمان بن عثمان نخعی، از سعید بن طارق، از سلمه بن انس و او از اصبع بن نباته حدیث کردند: روزی امیر مؤمنان علیه السلام مشغول خطبه بودند که ذکری از مهدی علیه السلام و یاران ایشان و نام‌های آنان فرمودند. ابو خالد حلبی (و شاید ابو خالد کابلی) به امام عرض کرد: ای امیرمؤمنان! ایشان را برای ما توصیف فرما. امام علی علیه السلام فرمود: «آگاه باشید که او شبیه‌ترین مردم به رسول خدا صلی الله علیه و آله است، از جهت آفرینش و اخلاق و زیبایی! آیا می‌خواهید یاران او و تعدادشان را برایتان بیان کنم؟» عرض کردیم: بفرمایید، ای امیرمؤمنان! حضرت نیز از فرمایش پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و این که از آن حضرت شنیدیم، ابتدا در مورد تعداد یاران مهدی علیه السلام و این که هر کدام از چه شهری هستند و از هر شهری چند نفر هستند مفضّل بیان فرمود، تا این که به ۳۱۳ نفر رسیدند. آن‌گاه به بیان ویژگی یاران امام زمان علیه السلام پرداخته، ایشان را چنین وصف کردند: «گویا آنان را می‌بینم که قیافه و ظاهری همانند دارند، قد و اندازه یکی، جمال و زیبایی یکی، با پوششی واحد، مثل این که گمشده‌ای دارند که دنبال آن می‌گردند؛ همچنان حیران و سرگردان و متفکر هستند که مردی از پشت کعبه به سوی ایشان می‌آید که از نظر خلقت و اخلاق و زیبایی، شبیه‌ترین فرد به رسول خداست. این گروه به وی می‌گویند: آیا تو مهدی هستی؟ اینجاست که حضرت ظهور خود را اعلان می‌کنند و می‌فرمایند: «آری منم مهدی!» سپس به ایشان می‌فرماید: بر چهل ویژگی و خصلت با من بیعت کنید، من هم ده شرط به شما می‌سپارم». احنف می‌گوید که به امام علی علیه السلام عرض کردم: ای مولای من! آن چهل خصلت چیست؟ امیرمؤمنان علیه

السلام شروع به شمارش و بیان بندهای تعهدنامه کرده و چنین فرمودند:

متن بیعت‌نامه

«یایعون علی ألا یسرقوا، و لا یزنوا، و لا یقتلوا، و لا یهتکوا حریماً محرماً، و لا یسبوا مسلماً، و لا یهجموا منزلاً، و لا یضربوا أحداً الا بالحق، و لا یرکبوا الخیل الهمالیج، و لا یتمنطقوا بالذهب، و لا یلبسوا الخز، و لا یلبسوا الحریر، و لا یلبسوا النعال الصراره، و لا یخربوا مسجداً، و لا یقطعوا طریقاً، و لا یظلموا یتیماً، و لا یخیفوا سیلاً، و لا یحتسبوا مکرراً، و لا یأکلوا مال الیتیم، و لا یفسقوا بغلام، و لا یشربوا الخمر، و لا یخونوا أمانه، و لا یخلفوا العهده، و لا یخسوا طعاماً من بر أو شعیر، و لا یقتلوا مسدأماً، و لا یتبعوا منهنماً، و لا یشرفکوا دماً، و لا یجهزوا علی جریح، و یلبسوا الخشن من الثیاب، و یوسدوون التراب علی الخدود و یأکلون الشعیر، و یرضون بالقلیل، و یجاهدوون فی الله حق جهاده، و یشمون الطیب، و یکرھون النجاسه...» (۴۷) این گونه یاران امام مهدی علیه السلام با ایشان بیعت می‌کنند: دزدی و سرقت نکنند، مرتکب زنا نشوند، کسی را نکشند، حریم شخص محترمی را هتک نکنند، مسلمانی را سب و دشنام ندهند، به منزلی هجوم نبرند، کسی را جز به حق کتک نزنند، بر اسب و حیوانات ضعیف سوار نشوند، خود را به طلا نیارایند، لباس خز نپوشند، حریر نیز نپوشند، کفش باصدا به پا نکنند، مسجدی را خراب نکنند، راه را بر کسی نبندند، به یتیم ظلم نکنند، راه‌ها را نا امن نکنند، مکر و حيله نمایند، مال یتیم را به ناحق نخورند، با پسر بچه فساد نکنند، شراب نخورند، در امانت خیانت نکنند، در عهد و پیمان تخلف نکنند، طعامی را احتکار نکنند، چه گندم یا جو، کسی را که به پناه آمده نکشند، شکست خورده و فراری را دنبال نکنند، به خون‌ریزی نپردازند و خونی را به ناحق نریزند، بر مجروح حمله نکنند، لباس خشن نپوشند، خاک را متکای خود قرار دهند، غذای خود را نان جو قرار بدهند، به کم راضی و قانع باشند، در راه خدا آنطور که شایسته است جهاد کنند، بوی خوش استعمال کنند، از نجاست و پلیدی اجتناب نمایند...».

شرح و توضیح مواد بیعت‌نامه

اگرچه کلام و بیان پیامبر و امام معصوم‌علیهم السلام نور است و موجب احیای قلوب دل‌مردگان می‌باشد و خود شنیدن و خواندن و دیدن آن هم مؤثر و احیاگر است؛ لکن چون اغلب مخاطبان این جزوه با زبان عربی آشنایی لازم را ندارند، بهتر دیدیم در این قسمت به شرح و توضیح مختصر هر کدام از موارد این بیعت‌نامه پردازیم. البته با نگاهی اجمالی به بندهای بیعت‌نامه معلوم می‌شود که بیشتر مواد آن را معاصی و منکرات تشکیل می‌دهد؛ یعنی این کار را نکنند، آن کار را نکنند؛ شاید مراد این باشد که هر فردی اگر از گناه و معصیت دور باشد و قلب خود را صاف نماید، دلش خود به خود برای جلب و جذب نور و ایمان و رحمت پروردگار آماده می‌شود و زحمت چندانی نخواهد داشت؛ چون آنچه که قلب انسان را تاریک و او را از خداند متعال دور می‌کند، گناه است. به هر حال سعی می‌شود در این جزوه، چنانچه به آیه قرآن و حدیثی در مورد مطالب عهدنامه دست یابیم، فقط برخی از آن‌ها را آدرس و یا تذکر دهیم و مطالعه مفصل و همه‌جانبه آن را به کتاب‌های مرجع که از بزرگان دین به ما ارث رسیده، ارجاع دهیم.

دزدی نکردن

«یایعون علی ألا یسرقوا» یاران امام زمان علیه السلام با آن حضرت بیعت می‌کنند که سرقت و دزدی نکنند. زیرا اموال هر کسی برای خودش محترم بوده، کسی حق تعرض به آن را ندارد. حرمت و احترام مال دیگران؛ چه مسلمان و چه غیر مسلمان، در دین اسلام به حدی است که رعایت آن در این بیعت‌نامه به عنوان اولین بند آن گوشزد شده و بر آن تعهد گرفته شده است. همان‌طور که خود انسان محترم است، هر چه را هم که مربوط به او می‌باشد نیز محترم است؛ از آبرو، ناموس و مال و غیره؛ به گونه‌ای که در

حدیث وارد شده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده است: «مَنْ قُتِلَ دُونَ مَالِهِ فَهُوَ بِمَنْزِلَةِ الشَّهِيدِ»؛ (۴۸) «هر که در راه حفظ مال خود کشته شود بمانند شهید است». البته در ادامه نیز فرموده‌اند که اگر من باشم آن را رها می‌کنم. اگر جامعه‌ای می‌خواهد جامعه مهدوی باشد، باید همه انواع دزدی و مال مردم خوری به ناحق برچیده شود؛ دزدی تنها به این نیست که فردی از دیوار کسی بالا-برود، یا مخفیانه مال کسی را بردارد، یا کیف دیگری را برباید؛ بلکه آن کسی هم که به زور و تزویر از کسی ربا می‌گیرد دزد است؛ کسی که با مکر و حيله مال مردم را حیف و میل می‌کند و یا بالا می‌کشد هم دزد است؛ آن که کلاهبرداری می‌کند هر چند در قالب قانونی و علنی، دزد است؛ آن که جنسی را چند برابر گران‌تر می‌فروشد دزد است؛ کسی که جنس مورد نیاز مردم را احتکار می‌کند نیز دزد است؛ هرچند او را دزد نخوانند؛ که هر کدام به نوعی مال دیگران را به ناحق تصاحب می‌کند در صورتی که این مال حرمت خاصی در دین مقدس اسلام دارد. لذا هیچ کسی حق ندارد به مال دیگران دست درازی کند و اگر کسی مرتکب آن شد، با جمع شدن همه شرایط آن، دست او باید قطع شود؛ چنان که آیه شریف می‌فرماید: «وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جَزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالًا مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ»؛ (۴۹) «دست مرد دزد و زن دزد را، به کیفر عملی که انجام داده‌اند، بعنوان یک مجازات الهی، قطع کنید! و خداوند توانا و حکیم است».

زنا نکردن

«و لا یزنوا» یاران حضرت مهدی علیه السلام با ایشان بیعت می‌کنند که مرتکب خلاف و زنا نشوند. زنا به عنوان افحش الفواحش؛ یکی از بزرگ‌ترین و بدترین موارد گناه و فحشا است. گناه و زشتی این عمل آنقدر زیاد است که قباحت آن به لفظ «زنا» نیز سرایت نموده و بیان آن هم موجب شرم‌ساری است و من به خدا پناه می‌برم از این که این لفظ را بر زبان جاری کنم و یا از قلم بر کاغذ، ساری نمایم، و باید به خدا پناه برد از شرّ شیطان! این عمل خلاف و شنیع گناهی نیست که بخواهیم در مورد آن توضیح دهیم. مفسد دنیوی و عواقب اخروی این گناه، برای همه معلوم است، چه آثار فردی و چه آثار اجتماعی و خانوادگی آن؛ مطابق حدیثی که از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده، جهنمیان از بوی تعفن چنین افرادی در عذاب خواهند بود. کسی که ادعای انتظار و امید یاری امام زمان علیه السلام را دارد؛ حتی به طرف چنین گناهی هم نزدیک نمی‌شود؛ چنان که آیه شریفه می‌فرماید: «وَلَا تَقْرَبُوا الزَّانِيَ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا»؛ (۵۰) «و نزدیک زنا نشوید، که کار بسیار زشت، و بد راهی است!» روایت از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است: زناکار در حالی که زنا می‌کند مؤمن نیست و دزد هم در حالی که دزدی می‌کند مؤمن نیست؛ چون این گونه افراد وقتی به چنین عملی دست می‌زنند ایمان از وجودشان کنده می‌شود؛ آن‌طور که پیراهن از تن کنده می‌شود. (۵۱) یعنی در آن حال، کافر و مشرک است که خود از بزرگ‌ترین گناهان کبیره می‌باشد. امام باقر علیه السلام فرموده است: «ما مِنْ عِبَادَةٍ أَفْضَلَ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ عَفَّةٍ بَطْنٍ وَفَرْجٍ»؛ (۵۲) هیچ عبادتی نزد خدا بهتر از عفت شکم و عورت نیست. حال اگر کسی مرتکب چنین گناه بزرگی شد، باید مجازات شود که طبق آیه شریفه، مکافات او چنین است: «الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلْيَشْهَدْ عَذَابَهُمَا طَائِفَةٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ»؛ (۵۳) «هر یک از زن و مرد زناکار را صد تازیانه بزنید؛ و نباید رأفت (و محبت کاذب) نسبت به آن دو شما را از اجرای حکم الهی مانع شود، اگر به خدا و روز جزا ایمان دارید! و باید گروهی از مؤمنان مجازاتشان را مشاهده کنند!» البته این حکم مخصوص افراد مجرد می‌باشد؛ یعنی اگر کسی دارای همسری باشد که می‌تواند از او استفاده و استمتاع کند؛ ولی با این حال مرتکب زنا شود، حکم او اعدام (رجم و سنگسار) خواهد بود. به هر حال این گناه مجازات مختلفی دارد؛ از جمله: سنگسار، تازیانه، تراشیدن سر، تبعید، اعدام، پنجاه تا هفتاد و پنج ضربه شلاق، که در هر مورد بسته به نوع و شخص آن با حکم قاضی خواهد بود. دو نکته قابل توجه: نکته اول: در مورد کلمه «زنا» این است که گاه به نگاه نا محرم نیز زنا گفته می‌شود؛ یعنی یکی از گناهان چشم، زناست و آن

موقعی است که نگاه آلوده و شیطانی به نامحرم کند و چشم‌چرانی نماید؛ چنان که از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده که نگاه به نامحرم تیری زهر آلود از تیرهای شیطان است که انسان را به دام می‌اندازد: «النظر سهم من سهام ابلیس»؛ (۵۴) و از عیسی علیه السلام نقل است که فرموده: «ایاکم و النظره فانها تزرع فی القلوب الشهوة و کفی بها لصاحبه فتنه»؛ (۵۵) پرهیزید حتی از یک نگاه نامحرم که تخم شهوت در دل می‌کارد، و همین برای فتنه صاحب آن کافی است. نکته دوم: این که چرا به این گناه بزرگ و بسیار زشت در این عهدنامه اشاره شده است، شاید به این جهت باشد که خدای ناکرده و پناه بر خدا، در مواردی از زمان‌ها و یا مکان‌ها و یا دوره‌ای از آخرالزمان خواهد رسید که این گناه شایع شده، آن را سبک بشمرند و افراد زیادی به آن آلوده شوند!

آدم‌کشی نکردن

«و لا یقتلوا» یاران مهدی صاحب الزمان علیه السلام با آن حضرت بیعت می‌کنند که کسی را به قتل نرسانند. البته واضح است که مراد از این کشتن، قتل به ناحق و قتل نفس محترم است، و مراد از آن، کشتن در جنگ و جهاد و یا کشتن قاتل به عنوان قصاص نیست؛ (۵۶) یعنی کسی که احترام جاننش را خود از بین برده است، دیگری هم برای جان او احترام قائل نیست. یکی از گناهان کبیره که خداوند به انجام دهنده آن وعده عذاب داده است، قتل نفس محترم است؛ یعنی کسی را به ناحق کشتن. بنابراین اگر کسی مرتکب قتل فردی شد، باید کشته شود، آیه کریمه می‌فرماید: «وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ» و مَنْ قَتَلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيهِ سُلْطَانًا فَلَا يَشْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا؛ (۵۷) و کسی را که خداوند خونش را محترم شمرده، نکشید، جز بحق! و آن کس که مظلوم کشته شده، برای ولی‌اش سلطه (و حق قصاص) قرار دادیم؛ اما در قتل اسراف نکند، چرا که او مورد حمایت است! و در آیه دیگر هم به حرمت و هم به مجازات اخروی قتل عمدی اشاره دارد: «وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاءُ لَهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعَنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا»؛ (۵۸) و هر کس، فرد باایمانی را از روی عمد به قتل برساند، مجازات او دوزخ است؛ در حالی که جاودانه در آن می‌ماند؛ و خداوند بر او غضب می‌کند؛ و او را از رحمتش دور می‌سازد؛ و عذاب عظیمی برای او آماده ساخته است. البته همان‌طور که از این چند آیه هم معلوم شد، قتل دارای انواعی است؛ مثل قتل عمدی، غیر عمدی، شبه عمد، خطایی و ... که هر کدام قانون و مقررات و شرایط و مجازات مربوط به خود را دارد که این جزوه گنجایش بحث از آن را ندارد.

هتک حرمت نکردن

«و لا یهتکوا حریماً محرماً» اصحاب امام زمان علیه السلام با آن حضرت بیعت می‌کنند که حرمت شخص محترمی را هتک نکنند. بنا به اصطلاح جدید، ترور فیزیکی است و زمانی شخصیتی، ترور فیزیکی به این است که فردی را با سلاح گرم یا سرد از پای در آورند و او را بکشند؛ اما در ترور شخصیت، از اسلحه و عمل فیزیکی استفاده نمی‌شود؛ بلکه با زبان و سخن چینی و عیب‌جویی و توطئه و شایعه، کاری می‌کنند که حرمت و آبرو و حیثیت فردی لکه‌دار، یا شخصیت او از احترام بیفتد. دستور اکید اسلامی این است که نباید حرمت کسی هتک شود؛ چه مسلمان چه غیر مسلمان، آبرو و حیثیت هر فردی محترم است و اگر کسی آن را رعایت نکند، مرتکب گناه کبیره شده است. «وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بَغَيْرِ مَا اكْتَسَبُوا فَقَدْ احْتَمَلُوا بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا»؛ (۵۹) «و آنان که مردان و زنان باایمان را به خاطر کاری که انجام نداده‌اند آزار می‌دهند؛ بار بهتان و گناه آشکاری را به دوش کشیده‌اند. چون آبروی مؤمن همانند خون او محترم است، و از کعبه هم احترام بیشتری است. هتک حرمت و آبروی دیگران را بردن، گناه به جهت مسائل اجتماعی یا سیاسی، بیشتر مورد توجه و اهمیت قرار می‌گیرد و ممکن است زیاد هم اتفاق بیفتد. دو یا چند نفر رقیب که می‌خواهند مقامی را به دست بیاورند، یا دوست دارند موقعیتی را کسب کنند، یا در انتخابات شرکت کنند و خود را در معرض

انتخاب مردم قرار دهند، گاه برای این که رقیب خود را شکست دهند، به شایعه سازی و دروغ و تهمت و افترا و ترور شخصیت روی می آورند؛ یعنی آبروی یک فرد مسلمان محترم را در سطح یک منطقه یا استان و یا در کل کشور و جامعه ضایع می کنند که این از همه مهم تر و گناه آن هم از همه بیشتر و سنگین تر است.

فحش و دشنام ندادن

«و لا یسبُوا مُسْلِمًا» (۶۰) منتظران ظهور قائم آل محمد علیهم السلام تعهد می دهند و بیعت می کنند که مسلمانی را سب و فحش و دشنام ندهند. فحش و دشنام، گفتار رکیک و نامربوطی است که هیچ زبان پاک و هیچ دهان طاهری خود را به آن آلوده نمی کند، کاری است بسیار بیهوده که هیچ نفعی ندارد جز ضرر برای گوینده و شنونده که فردی با وسوسه و مکر شیطان، رذالت خودش را آشکار می کند. منشأ هر گونه فحش و دشنام و هرزه گویی و بدزبانی، خباثت نفس و دنائت طبع است. (۶۱) خداوند متعال در آیه شریفه می فرماید: «وَلَا تَسِبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَمَسِيحٌ بَشَرٌ مِثْلُكُمْ فَادْعُوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ كَذَلِكَ زَيْنًا لِكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلُهُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ مَرْجِعُهُمْ فَيُنَبِّئُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (۶۲) (به معبود) کسانی که غیر خدا را می خوانند دشنام ندهید، مبادا آن‌ها (نیز) از روی (ظلم و) جهل، خدا را دشنام دهند! این چنین برای هر امتی عملشان را زینت دادیم سپس بازگشت همه آنان به سوی پروردگارشان است؛ و آن‌ها را از آنچه عمل می کردند، آگاه می سازد (و پاداش و کیفر می دهد). وقتی می فرماید که به بت، فحش و دشنام ندهید، معلوم می شود که حرمت انسان چقدر است، چه رسد به انسان مسلمان و مؤمن. (۶۳) همان طور که گفته شد، فحش دادن فقط خباثت درونی خود فرد را عیان می کند و معلوم می شود که خود این فرد مشکل دارد، به همین جهت آن را یکی از گناهان کبیره شمرده اند. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم نقل شده است: بهشت حرام است بر هر فحش گوینده کم حیایی که پروا نکند از آنچه خود گوید و از آنچه به او گویند، چنین کسی را اگر تفتیش کنی از احوال او، یا ولد الزناست یا شیطان در نطفه او شریک شده است. (۶۴) همچنین نقل شده که فرمودند: اهل دوزخ از دست چهار گروه در عذابند، یکی از آنان کسی است که پیوسته از دهانش چرک جاری است و این فردی است که در دنیا فحش گو بوده است. (۶۵)

به خانه‌ای هجوم نبردن

«و لا یهجمُوا مَنْزِلًا» یاران امام زمان علیه السلام متعهد می شوند که به منزل کسی بدون جهت هجوم نبرند؛ چرا که حریم خصوصی و چهار دیواری هر کسی؛ یعنی خانه شخصی هر فردی، جایی است که وقتی خود و خانواده‌اش وارد آنجا می شوند، از هر لحاظ احساس آرامش، آسایش و آزادی می کنند، و این آرامش و آزادی در خانه تا موقعی که موجب تعارض با آزادی و آسایش سایر افراد جامعه و همسایگان نشود، باید برای همه محترم بوده، کسی حق عبور به حریم خصوصی و شخصی دیگری را نداشته باشد. شرع و قانون نیز این حق را به رسمیت شناخته، و از ورود افراد به خانه دیگران بدون اجازه صاحب‌خانه، منع کرده است. البته ورود و هجوم به خانه دیگران نیز می تواند به گونه‌های متفاوتی باشد، گاه علنی است و گاه مخفی؛ گاهی به صورت دزدی و غارت است و گاهی برای آزار و اذیت؛ گاه از دیوار کسی بالا می روند و گاه ایجاد مزاحمت می کنند؛ گاهی برای نا امن کردن محیط خانه و خانواده است؛ و گاهی نیز عنوان غضب پیدا می کند، یعنی ممکن است کسی به زور و حيله و کلک بیاید و صاحب‌خانه را از خانه و یا از قسمتی از خانه بیرون کند و خود در جای او بنشیند و آن را اشغال نماید. تمام انواع و اشکالی که ذکر شد همه حرام و غیر مجاز است. برای ورود به خانه هر کسی حتی نزدیکان و خویشان، ادب و آداب مخصوصی دارد که باید رعایت شود. مثلاً در یکی از آیات شریفه قرآن می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّىٰ تَسْتَأْذِنُوا وَتَسَلِّمُوا عَلَىٰ أَهْلِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ * فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فِيهَا أَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوهَا حَتَّىٰ يُؤْذَنَ لَكُمْ وَإِنْ قِيلَ لَكُمْ فَارْجِعُوا فَارْجِعُوا هُوَ أَزْكَىٰ لَكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ»؛

(۶۶) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! در خانه‌هایی غیر از خانه خود وارد نشوید تا اجازه بگیرید و بر اهل آن خانه سلام کنید؛ این برای شما بهتر است؛ شاید متذکر شوید. * و اگر کسی را در آن نیافتید، وارد نشوید تا به شما اجازه داده شود؛ و اگر گفته شد: «باز گردید!» باز گردید؛ این برای شما پاکیزه‌تر است؛ خداوند به آنچه انجام می‌دهید آگاه است. مگر در موردی که بر اساس قانون و حکم دادگاه صالح، ضرورتی ایجاب کند.

کسی را زدن

«و لا یضربوا أحدًا إلا بالحقّ» آزار و اذیت دیگران، چه با زدن آنان و یا به گونه‌ای دیگر، کاری غیر انسانی و مذموم است. زدن با دست یا چوب یا هر چیز دیگری، اگر بدون جهت شرعی باشد، در حرمت آن هیچ شکّی نیست و هیچ طایفه و فرقه‌ای از بنی آدم زدن کسی را تجویز نکرده و نمی‌کند. (۶۷) در اخبار و روایات نیز از این عمل ناجوانمردانه نهی شده؛ مثلاً فرمودند: هر که مردی را تازیانه زند، حقّ تعالی او را تازیانه از آتش خواهد زد. (۶۸) البته این رسم برخی از ناجوانمردان و افراد هرزه بعضی از محله‌هاست که گاه تک نفره یا چند نفره، بی جهت و بدون هیچ گونه دلیل و علتی، به فرد یا افرادی اذیت و آزار می‌رسانند. گاه فقط برای سرگرمی و یا شوخی و خنده، ممکن است فردی را دوره کرده، او را کتک بزنند، کسی را مظلوم ببینند و به او ظلم کنند، یکی را غریب ببینند و او را بترسانند. که این گونه اعمال از حدّ انسانی خارج بوده، هیچ غیرتمندی آن را نمی‌پذیرد. به هر حال، یار و یاور امام زمان علیه السلام - او که قرار است بیاید تا ظلم و ستم را ریشه کن نماید و عدالت را در همه جا جاری فرماید - از چنین رفتاری به دور است و بیعت می‌کند که به کسی آزار و اذیت نرساند و یا کسی را کتک نزند که گناهی کبیره است و مجازات شدید دارد.

از حیوان ضعیف کار نکشیدن

«و لا یرکبوا الخیل الهمالیج» یکی از موارد بیعت نامه یاران امام زمان علیه السلام با آن حضرت این است که بر حیوان لاغر و ضعیف سوار نشوند و بیش از طاقت‌شان، از آن‌ها کار نکشند. ملاحظه همین یک حکم و دستور کافی است که عمق توجه شرع مقدّس اسلام به جایگاه حقوق بشر و حیوان را برای تمام جهانیان آشکار کند. در قرنی که به نام حقوق بشر، انواع ظلم و جنایات را بر ملت‌های مستضعف و مظلوم روا می‌دارند، به نام آزادی بشر، انواع جنگ‌ها و جنایات را بر بشر جایز می‌شمرند، به جایگاه والای احکام مترقی اسلام پی می‌بریم که نه تنها حقوق تمام انسان‌ها را محترم می‌داند (چه مسلمان و چه غیر مسلمان) بلکه حقوق حیوانات را هم متذکر می‌شود؛ حتی حقوق نباتات، از درخت و گیاه و محیط زیست را هم به بهترین وجه بیان می‌کند و آن را تحت حمایت خود می‌داند. مثلاً برای کاشتن یک درخت، چه ثواب‌ها، و برای قطع درخت، چه توبیخ‌ها بر می‌شمرد و یا در رفتار و برخورد با حیوانات، به خصوص حیوانات اهلی احکام خاصی برای انسان بیان کرده است. به همین جهت یاران صاحب الزمان علیه السلام با ایشان بیعت می‌کنند که در استفاده از حیوانات، رعایت حال آنان را بکنند، بر حیوان لاغر و ضعیف؛ چه اسب و چه غیر آن سوار نشوند، بار اضافی بر آن حمل نکنند، به آب و غذا و استراحت آن نیز اهمیت بدهند. (۶۹)

با طلا آرایش نکردن

«و لا یتمنطقوا بالذهب» یقیناً تمام احکام خداوند؛ چه اوامر و چه نواهی آن مطابق با مصالح و مفاسد واقعی و حکمتی است که در آن کارها و اعمال وجود دارد، چه ما برخی از آن مصالح را بدانیم یا ندانیم، بعضی از حکمت‌های آن‌ها را درک کنیم یا نکنیم، اگرچه ممکن است بر اثر پیشرفت علوم و تکنولوژی یا تحقیقات پزشکی، برخی از این حکمت‌ها، بعد از قرن‌ها برای بشر آشکار

شده باشد که مثلاً فلان موضوع این مفسده و ضرر را دارد که حرام شده و یا فلان حکم به این سبب واجب شده که دارای این مصلحت و فایده بوده است؛ لکن علت واقعی احکام، این گونه برای بشر معلوم نخواهد شد؛ مگر این که خود شارع و یا معصوم بفرمایند. استعمال طلا برای مرد نیز از این نمونه است، هر چند ممکن است برای استفاده آن برای مردها مضراتی را بگویند، لکن به هر حال، حکم اسلام این است که آرایش مرد به طلا- و استعمال آن برای وی حرام است و نماز هم با آن باطل می‌باشد. نه تنها استفاده و آرایش به طلا- بلکه پوشیدن لباس طلا باف هم برای مرد حرام است، وضو گرفتن در ظرفی که از طلا- ساخته شده نیز صحیح نیست، غذا خوردن و آشامیدن از ظرف طلا نیز حرام است. یکی از مسائل مطرح شده در رساله عملیه چنین است: خوردن و آشامیدن از ظرف طلا- و نقره و استعمال آن‌ها حرام است، ولی استعمال آن‌ها در زینت اتاق حرام نیست و نگاه داشتن نیز حرام نمی‌باشد. (۷۰) بنابراین کسی که منتظر امام زمان علیه السلام است و می‌خواهد دست بیعت به آن حضرت بدهد، نباید لباسش و یا در دستش و یا به گردنش طلا باشد و یا کمر بندش از طلا باشد و خود را با آن بیاراید؛ لذا با دوری از این کار، التزام و بیعت عملی خود را به اسلام و مهدی موعود علیه السلام به نمایش می‌گذارد.

لباس خَزْ نپوشیدن لباس حریر و ابریشم نپوشیدن

«و لا یلبسوا الخَزَّ، و لا یلبسوا الحریر» استفاده از نعمت‌های خدادادی و آشکار نمودن نعمت، از جمله پوشیدن لباس خوب و تمیز و نو و زینت دادن خود، ستودنی و مستحب است. (۷۱) لکن موضوع پوشش لباس، رنگ لباس، جنس لباس، نحوه پوشش، بلندی و کوتاهی آن، نازکی و ضخامت آن، همه و همه از مواردی است که هر کدام دارای پیام و مفهوم خاصی است که هم نشان دهنده هویت و شخصیت فرد است و از همه مهم‌تر نشانه عقیده و فکر اوست. رنگ و جنس و نحوه پوشیدن یک لباس و یا نوشته روی آن، ممکن است بیانگر طرز تفکر خاصی یا القای شعار و یا تأیید گروهی و اعتراض به مذهب دیگری باشد. به هر حال لباس، در حدّ خودش نوعی پرچم است که همیشه بر افراشته می‌باشد و در مقابل دید همگان قرار دارد. یک فرد مسلمان که عقیده به خدا دارد، پیرو امامان معصوم علیهم السلام و مقلد احکام اسلامی است، نمی‌تواند هر گونه لباس که در جامعه وجود دارد را بپوشد، از هر جنسی استفاده کند، از هر رنگی در هر رده سنی بپوشد؛ بلکه هر کدام از آن‌ها اقتضائاتی دارد. رنگ لباس یک فرد کهنسال با جوان و کودک فرق می‌کند، همان طور که جنس لباس زن و مرد با هم یکی نیست. به همین جهت در شرع مقدّس اسلام نیز مقرراتی وجود دارد. یکی از محرّمات برای مردان، پوشیدن لباس حریر و طلا باف است و اگر کسی با چنین لباسی نماز بخواند نمازش نیز باطل است. تقریباً تمام مراجع تقلید در رساله‌های عملیه خود به این موضوع اشاره و حکم آن را بیان فرموده‌اند که در اینجا یک مسئله از رساله امام خمینی (ره) که تقریباً مشترک بین همه توضیح المسائل مراجع است را ذکر می‌کنیم: مسئله ۸۳۴: لباس مرد نماز گزار باید ابریشم خالص نباشد و در غیر نماز هم پوشیدن آن برای مرد حرام است، و در چیزی که نماز در آن تمام نمی‌شود، مانند بند شلوار و عرقچین نیز به احتیاط واجب نباید از حریر خالص باشد. با سند معتبر نقل شده است که حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله به امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: یا علی! انگشتر طلا در دست مکن که زینت توست در بهشت، جامه حریر مپوش که آن پوشش توست در بهشت. و در حدیث دیگر فرمود: جامه حریر مپوش که حق تعالی به سبب این در قیامت پوستت را به آتش می‌سوزاند. (۷۲)

کفش صدادار به پا نکردن

«و لا یلبسوا النعال الصیراره» در عبارت این بند از بیعت‌نامه می‌فرماید یاران امام زمان علیه السلام بیعت می‌کنند که نعلین و کفش «صراره» به پا نکنند، در توضیح این صراره گفته شده: «هی التي لها صریر؛ ای صوت اذا مشی الانسان فیها، و ینسب الیها ابوالقاسم

بکر بن الفضل بن موسی النعالی الصراری روی عن مقدم بن داوود؛ (۷۳) نوعی نعلین و کفش بوده که هرگاه انسان با آن راه می‌رفت، صدایی از آن بلند می‌شد، از مقدم بن داوود نقل شده که این نسبت و نام را ابوالقاسم بکر بن فضل بن موسی نعال صراری داده است. در یکی از آیات قرآن کریم در این زمینه آمده است: «... وَلَا يَضْرِبَنَّ بِالرُّجُلِ لِيَعْلَمَ مَا يَخْفَيْنَ مِنْ زِينَتِهِمْ وَتُؤْبَأُ إِلَى اللَّهِ جَمِيعاً أَيُّهُ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»؛ (۷۴) ... و هنگام راه رفتن پاهای خود را به زمین نزنند تا زینت پنهانشان دانسته شود (و صدای خلیخال که بر پا دارند به گوش رسد). و همگی به سوی خدا باز گردید ای مؤمنان، تا رستگار شوید. در زمان قدیم چنان بوده و برخی با آن نعل و کفش که صدا می‌کرده، راه می‌رفتند، اکنون نیز نوع دیگری با ویژگی‌های دیگری و حتی صدای بیشتری، ولی با همان هدف و انگیزه وجود دارد، کفش پاشنه‌دار بزرگ و با صدای بلند که گاه از چندین متری، صدای آژیر آن به گوش می‌رسد؛ خصوصاً برای خانم‌ها که بیشتر برای جلب توجه و اعلان حضور چنین می‌کنند. این گونه اعمال و رفتار، بر خلاف تعهد و پیمانی است که هر مسلمانی با امام زمان علیه السلام بسته است.

مسجدی را خراب نکردن (۷۵)

«و لا یخربوا مَسْجِدًا» مسجد خانه خداوند متعال و محل عبادت بندگان خداست. (۷۶) مسجد به جهت انتساب به خداوند و نیز انجام مراسم عبادی و معنوی، از تقدس خاصی برخوردار است و دارای آداب و ارزش فراوانی است که هر کسی وظیفه دارد آن را رعایت کند، طهارت آن را پاس دارد، از نجاست آن جلوگیری و در صورت وقوع، سریعاً نسبت به طهارت آن اقدام نماید. عمران و آبادانی مسجد و خرابی آن، دو عنوانی است که در رابطه با مسجد مطرح است و در مقابل هم قرار دارند، در مورد آبادانی مسجد آیه شریفه می‌فرماید: «إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَىٰ أُولَٰئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ»؛ (۷۷) مساجد خدا را تنها کسی آباد می‌کند که ایمان به خدا و روز قیامت آورده، و نماز را برپا دارد، و زکات را پردازد، و جز از خدا نترسد؛ امید است چنین گروهی از هدایت‌یافتگان باشند. از این که از آبادانی مسجد به ایمان و عبادت و نماز و حضور در مسجد نام می‌برد، معلوم می‌شود خرابی مسجد نیز به سبب عواملی است که در مقابل این اعمال قرار دارد؛ یعنی بی‌ایمانی، عدم حضور در مسجد، رها کردن و عدم اهمیت به مسجد، خالی گذاشتن آن و کم‌رنگ کردن نقش مسجد در زندگی اجتماعی، موجب خرابی مسجد می‌شود. لذا آیه دیگری از قرآن کریم می‌فرماید: «وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّن مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسَعَىٰ فِي خَرَابِهَا أُولَٰئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَائِفِينَ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ»؛ (۷۸) کیست ستمکارتر از آن کس که از بردن نام خدا در مساجد او جلوگیری کرد و سعی در ویرانی آن‌ها نمود؟! شایسته نیست آنان، جز با ترس و وحشت، وارد این (کانون‌های عبادت) شوند. بهره آن‌ها در دنیا (فقط) رسوایی است و در سرای دیگر، عذاب عظیم (الهی)!! ظالم‌ترین و ستم‌کارترین افراد، کسی است که از ذکر خدا در مسجد جلوگیری می‌نماید. و چه تعبیر جالبی از امام خمینی (ره) که می‌فرمود: مساجد سنگر است، باید سنگرها را پر کرد. اگر سنگر خالی شود، دشمن از همان نقطه نفوذ خواهد کرد. بنابراین یار امام زمان علیه السلام این سنگر را حفظ خواهد کرد، بر آبادی و عمران و نقش محوری آن می‌افزاید، از خرابی و خالی کردن آن جلوگیری می‌کند، و برای ساختن مساجد دریغ نمی‌ورزد و مسجد ساخته شده را با مراسم عبادی خود و دیگر مومنان، آباد می‌کند. و به همین جهت است که قرآن کریم، مشرکان و کافران را از نزدیک شدن به مسجد منع نموده و آیه شریفه کمی فرماید: «ما كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَنْ يَعْمُرُوا مَسَاجِدَ اللَّهِ شَاهِدِينَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ بِالْكَفْرِ أُولَٰئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ وَفِي النَّارِ هُمْ خَالِدُونَ»؛ (۷۹) مشرکان حق ندارند مساجد خدا را آباد کنند در حالی که به کفر خویش گواهی می‌دهند! آن‌ها اعمالشان نابود (و بی‌ارزش) شده؛ و در آتش (دوزخ)، جاودانه خواهند ماند!

راه را بر کسی نبستن

«و لا یقطعوا طریقاً» یکی از نمودهای امنیت اجتماعی که برای فرد فرد افراد جامعه و ادامه زندگی سالم، ضروری و حیاتی است، امنیت راه‌ها، خیابان‌ها و جاده‌ها برای عبور و مرور راحت مردم می‌باشد. اگر کسی یا کسانی، راه مسافران و کاروانیان را سد کند و با بستن راه فرار و چاره آنان، دار و ندار آنان را به یغما ببرد، یا آنان را بترساند، اسلام چنین کسی را مجرم نامیده و مجازات سختی برای وی، حتی اعدام و مرگ را پیش‌بینی کرده است و چنین اعمالی از کسی که خود را مسلمان می‌داند و یا بالاتر، خود را یاور امام زمان علیه السلام به حساب می‌آورد بسیار بعید است. البته بستن راه دیگران می‌تواند موارد و نمودهای گوناگونی داشته باشد که یکی از آنان بستن فیزیکی راه و جاده است یا جلوی مسافران و عابران را گرفتن است که مزاحمان خیابانی را می‌توان نام برد. نوع دیگری از راه‌بندان ممکن است مانع خیر شدن باشد (۸۰) که آن هم اقسام زیادی دارد، گاهی کسی تصمیم بر کار خیری می‌گیرد، دیگری می‌آید و با یک کلمه او را منصرف می‌کند، کسی می‌خواهد به خانواده‌ای کمک کند، فردی امر به معروف و نهی از منکر نماید، جوانی می‌خواهد کاری اجتماعی کند، اما کسی می‌گوید مگر سرت درد می‌کند؟! تو را چکار به این کارها؟! یعنی از خودش کاری بر نمی‌آید، و یا حسادت می‌کند، دیگری هم که می‌خواهد در اجتماع مفید باشد و مشکلی را حل کند، با مانع تراشی و عیب و ایراد، جلوی کار او را می‌گیرد؛ کسی می‌خواهد به راه خدا بیاید، به خانه خدا بیاید، می‌خواهد از گذشته خود توبه کند، رفیق بد او مانع می‌شود، این می‌خواهد پیش‌رفت کند، دیگری از روی حسادت، جلوی او سد می‌شود. به هر حال کسی حق ندارد جلوی راه حرکت و پیشرفت دیگری را سد کند و راه خیر او را ببندد.

به یتیم، ظلم و ستم نکردن

«و لا یظلموا یتیماً» از بدترین ظلم‌ها و ستم‌ها، ظلم به یتیم، و ستم به کسی است که سرپرستی ندارد. یتیم یعنی کودک و فرزندی که پدر و مادر یا یکی از آنان را از دست داده و در ظاهر پناهگاهی نداشته باشد. و در مقابل، بهترین احسان‌ها و زیباترین کمک‌ها، یاری دادن به یتیم و دست نوازش بر سر آنان کشیدن است. چنین کاری انسانی‌ترین کارها و عالی‌ترین درجه محبت و شفقت نسبت به هم‌نوع انسان می‌باشد که دارای ارزش و ثواب بسیار است و هر شخصی باید خود را ملزم به رعایت آن کند تا فرد یتیم به مرحله‌ای برسد که بتواند روی پای خود بایستد و خود را اداره نماید. احادیث روایت شده از پیامبر و امامان معصوم علیهم السلام و بزرگان دین در مورد یتیم و یتیم‌نوازی بسیار زیاد است و به آن تأکید شده که می‌توان به کتب مربوطه مراجعه کرد. توجه به یتیم و سرپرستی از آن به قدری مهم است که خداوند متعال در قرآن کریم، بی‌توجهی به آن را در حد تکذیب روز قیامت می‌داند و می‌فرماید: «أَرَأَيْتَ الَّذِي يَكْذِبُ بِالذِّينِ فَذَلِكَ الَّذِي يَدْعُ الْيَتِيمَ وَلَا يُحِضُّ عَلَى طَعَامِ الْمَسْكِينِ»؛ (۸۱) آیا کسی که روز جزا را پیوسته انکار می‌کند دیدی؟ او همان کسی است که یتیم را با خشونت می‌راند، و (دیگران را) به اطعام مسکین تشویق نمی‌کند! و از جمله سفارشات لقمان به پسرش چنین است: «یا بنی! کن للیتیم کالاب الرحیم»؛ (۸۲) ای پسر من نسبت به بچه یتیم همانند پدری مهربان رفتار کن.

ناامن نکردن راه‌ها

«و لا یخیفوا سبیلاً» راه مردم و محل عبور و مرور آنان را ناامن نکنند. مسئله ناامنی راه‌ها و ترساندن مسافران و مانع ایشان شدن، آنقدر مهم است که در این بیعت‌نامه این دومین بار است که به آن اشاره شده است. به همین جهت مجازات آن هم بسیار شدید است که آیه شریفه قرآن می‌فرماید: «إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ

أيدِ بِهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يَنْفُوا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (۸۳) کيفر آن‌ها که با خدا و پیامبرش به جنگ برمی‌خیزند، و اقدام به فساد در روی زمین می‌کنند، (و با تهدید اسلحه، به جان و مال و ناموس مردم حمله می‌برند)، فقط این است که اعدام شوند؛ یا به دار آویخته گردند؛ یا (چهار انگشت از) دست (راست) و پای (چپ) آن‌ها، بعکس یکدیگر، بریده شود؛ و یا از سرزمین خود تبعید گردند. این رسوایی آن‌ها در دنیاست؛ و در آخرت، مجازات عظیمی دارند. لذا قاطع الطریق یا قَطَاعُ الطَّرِيقِ؛ یعنی کسانی که شمشیر بکشند یا اسلحه به دست بگیرند و جلوی مردم را سد کنند، هم به مجازات دنیوی می‌رسند و هم باید منتظر کيفر اخروی آن باشند.

با کسی مکر و حيله نکردن

«و لا يَحْتَسِبُوا مَكْرًا» (۸۴) مکر و حيله؛ یعنی با پنهان کاری و زیرکی، کاری کند که به دیگری ضرر برساند، با خدعه و نیرنگ، اعمالی انجام دهد که دیگران را به غفلت و جهالت اندازد تا از این موقعیت، سوء استفاده کند. مکر و حيله با هیچ کسی خوب نیست به خصوص مکر با مسلمان؛ چرا که با مکر و حيله نمی‌توان به جایی رسید. (۸۵) از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این زمینه چندین حدیث وارد شده که جهت نورانیت مطلب، سه نمونه ذکر می‌شود. ایشان فرمودند: (۸۶) ۱ - المکر والخديعة والخيانة في النار؛ عاقبت مکر و خدعه و خیانت در آتش است. ۲ - ملعون من ضار مؤمناً أو مكر به؛ ملعون است کسی که به مؤمنی ضرر برساند و یا با او مکر کند. ۳ - ليس منا من غش مسلماً أو ضره أو مكره؛ از ما نیست کسی که با مسلمانی غش و دغل کند، یا به او ضرر برساند و یا حيله به کار برد.

مال یتیم را به ناحق نخوردن

«و لا يأكلوا مال الیتیم» از مظلوم‌ترین و نیازمندترین افراد جامعه، کودکی است که پدر و مادر خود، یا یکی از آنان را از دست داده باشد و نتواند، نه از خود و نه از اموالی که به وی ارث رسیده و متعلق به اوست نگهداری کند. حمایت از یتیمی که از عقل کاملی برخوردار نیست و به حد بلوغ نرسیده و توان حفاظت از خود را ندارد، از ضروری‌ترین و انسانی‌ترین کارهاست. در حمایت و حضانت و سرپرستی از چنین شخصی همه افراد جامعه و حکومت؛ خصوصاً کسانی که به عنوان وصی، ولی، قیم و سرپرست یتیم، معین و انتخاب می‌شوند نسبت به آن مسؤولیت دارند. حتی در آیه‌ای از قرآن به طور مستقیم به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خطاب می‌فرماید: «فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ»؛ (۸۷) حال که چنین است یتیم را تحقیر مکن. نه تنها نباید به یتیم، ظلم و ستم کرد، و از او و اموال و دارایی او سرپرستی و نگهداری کرد، و از دست‌درازی به آن خودداری نمود؛ بلکه باید او را تحت حمایت خود گرفت تا ناراحتی‌اش فقط غم از دست دادن پدر و مادر باشد نه چیز دیگری. خوردن مال یتیم از گناهان کبیره و بزرگی است که خداوند متعال در قرآن کریم و در آیات متعدد به آن وعده عذاب داده و از آن به خوردن آتش تعبیر نموده است: «إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَسَيَصْلَوْنَ سَعِيرًا»؛ (۸۸) «کسانی که اموال یتیمان را به ظلم و ستم می‌خورند، (در حقیقت)، تنها آتش می‌خورند؛ و بزودی در شعله‌های آتش (دوزخ) می‌سوزند». در آیه دیگر تهدید می‌فرماید که حتی به فکر خوردن مال یتیم و نزدیک شدن به آن هم نباشید: «وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَأَوْفُوا بِالْكَيْلِ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ...»؛ (۸۹) «و به مال یتیم، جز به بهترین صورت (و برای اصلاح)، نزدیک نشوید، تا به حد رشد خود برسد! و حق پیمانانه و وزن را بعدالت ادا کنید!...». یک گناه و دو عقوبت: از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمودند: خداوند در خوردن مال یتیم، دو عقوبت قرار داده است: یکی اخروی که آتش است و دیگری دنیوی که دیگران نیز به یتیمان او ستم خواهند کرد؛ چنان که در آیه شریفه آمده: «وَلْيَخْشَ الَّذِينَ لَوْ تَرَكَوا مِنْ خَلْفِهِمْ ذُرِّيَةً ضِرَافًا خَافُوا عَلَيْهِمْ فَلْيَتَّقُوا اللَّهَ وَلْيَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا»؛ (۹۰) «کسانی که اگر

فرزندان ناتوانی از خود به یادگار بگذارند از آینده آنان می‌ترسند، باید (از ستم درباره یتیمان مردم) بترسند! از (مخالفت) خدا بپرهیزند، و سخنی استوار بگویند». و در جای دیگر ضمن برشمردن هفت گناه کبیره بزرگ، یکی از آن‌ها را خوردن مال یتیم فرمودند. خوانندگان محترم توضیحات بیشتر در این باره را می‌توانند در کتاب گناهان کبیره شهید آیت الله دستغیب مطالعه کنند.

فساد و فحشا نکردن

«و لا یفسقُوا بَعْلَامَ» در این بند از بیعت‌نامه آمده است: «و لا یفسقُوا بَعْلَامَ»؛ با هیچ جوانی فساد نکنند. به احتمال زیاد مراد از این گناه، همان همجنس‌بازی مردان با یکدیگر و لواط است که در هر دوره‌ای به نحوی شیوع داشته و البته در همه ادیان الهی، حرام بوده و دارای مجازات دنیوی و عقوبت اخروی شدیدی می‌باشد. یکی از جوامع گذشته که در انجام این عمل خلاف انسانی و حیوانی معروف بودند، قوم لوط است که خداوند متعال عمل آنان را به شدت تقیح نموده و آن را نوعی اسراف قلمداد کرده و بالاخره آنان را در همین دنیا مجازات نموده است، آیات شریفه در این زمینه چنین است که می‌فرماید: «وَلَوْطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَتَأْتُونَ الْفَحِشَةَ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ»؛ «إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِنْ دُونِ النِّسَاءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُشْرِقُونَ»؛ (۹۱) «و (به خاطر آورید) لوط را، هنگامی که به قوم خود گفت: «آیا عمل بسیار زشتی را انجام می‌دهید که هیچیک از جهانیان، پیش از شما انجام نداده است؟! آیا شما از روی شهوت به سراغ مردان می‌روید، نه زنان؟! شما گروه اسرافکار (و منحرفی) هستید! شما که می‌توانید از راه قانونی و عقلی و شرعی وارد شوید و همسری برای خود انتخاب کنید، چرا بر خلاف طبیعت حرکت می‌کنید؟! أَتَأْتُونَ الذُّكْرَانَ مِنَ الْعَالَمِينَ»؛ «وَتَذَرُونَ مَا خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ عَادُونَ»؛ (۹۲) «آیا در میان جهانیان، شما به سراغ جنس ذکور می‌روید (و همجنس‌بازی می‌کنید، آیا این زشت و ننگین نیست؟! و همسرانی را که پروردگارتان برای شما آفریده است رها می‌کنید؟! حَقًّا) شما قوم تجاوزگری هستید! حال که چنین کردید و به هشدارهای ما توجه نکردید و تهدیدهای ما را جدی نگرفتید، آماده عذاب باشید که امر ما می‌آید: ۱ - «فَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا جَعَلْنَا عَالِيَهَا سَافِلَهَا وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهَا حِجَابًا مِنْ سِجِّيلٍ مَنْصُودٍ»؛ (۹۳) «و هنگامی که فرمان ما فرا رسید، آن (شهر و دیار) را زیر و رو کردیم؛ و بارانی از سنگ [گل متحجر] متراکم بر روی هم، بر آن‌ها نازل نمودیم...». ۲ - «ثُمَّ دَمَرْنَا الْمَاقِبَةَ»؛ (۹۴) «سپس بقیه را نابود کردیم!»؛ ۳ - «وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ»؛ (۹۵) «و (سپس چنان) بارانی (از سنگ) بر آن‌ها فرستادیم؛ (که آن‌ها را در هم کوبید و نابود ساخت) پس بنگر سرانجام کار مجرمان چه شد!»؛ در دوران معاصر نیز خصوصاً در کشورهای غربی و غیر اسلامی؛ اگرچه خود را متمدن و پیشرفته می‌دانند؛ لکن در این زمینه متأسفانه به ارتجاعی‌ترین اعمال گذشتگان برگشته‌اند و کاری می‌کنند که حیوانات هم از آن‌ها دارند. به چند حدیث در این زمینه توجه نمایید: امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «حرمة الدبر اعظم من حرمة الفرج، ان الله تعالى اهلك أمة لحرمة الدبر و لم يهلك احداً لحرمة الفرج»؛ (۹۶) «حرمت لواط از حرمت زنا بیشتر است؛ چرا که خداوند قومی را به سبب این گناه، هلاک و نابود کرده ام؛ برای زنا چنین نکرده است». امام رضا علیه السلام فرمودند: «و اتق الزنا و اللواط و هو اشد من الزنا (والزنا اشد من اللواط) و هما یورثان صاحبهما اثین و سبعین داء فی الدنیا و الاخرة»؛ (۹۷) «از زنا دوری کنید و نیز از لواط که بدتر از زناست (و زنا نیز بدتر از لواط است)، همانا این دو گناه، هفتاد نوع مرض و عقوبت را برای کننده‌اش باقی می‌گذارد، در دنیا و آخرت». گناه لواط آنقدر مهم و کبیره است که حتی بسیاری از مقدمات آن هم به شدت تحریم شده؛ همانند: نگاه شهوتی به جوان و بوسیدن او، خوابیدن دو مرد عریان در زیر یک لحاف، ... مجازات گناه لواط هم تقریباً سخت‌تر و شدیدتر از زناست؛ یعنی باید آن دو نفر (فاعل و مفعول) کشته شوند، چه به وسیله شمشیر یا سنگسار کردن و یا زنده زنده در آتش سوزاندن و یا از بالای کوه با دست و پای بسته، پرت کردن. البته به شرطی که چهار مرد عادل گواهی بدهند یا خودش اقرار کند. شخص لواط کننده به قوم لوط ملحق می‌شود؛ حتی جسد او. (۹۸) همچنین فاعل نمی‌تواند بعداً با مادر یا خواهر یا دختر مفعول ازدواج کند؛ بلکه حرام

ابدی می‌شود. (۹۹)

شراب نخوردن

«و لا یشرَبُوا الخَمْرَ» (۱۰۰) در بین گناهان، کمتر موردی داریم که آیه شریفه قرآن به این صراحت، هم به نجاست و هم به حرمت آن تأکید و هم اشاره‌ای به فلسفه حکم آن کرده باشد؛ چنان که در موضوع خمر در این آیات، هم می‌فرماید پلید و نجس است و هم امر می‌کند که از آن دوری کنید؛ چون این کار موجب کینه و عداوت و دوری از خدا و یاد او می‌شود. به آیه شریفه توجه کنید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ * إِنَّمَا يَرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ العَدَاوَةَ وَالبَغْضَاءَ فِي الخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيُضِدَّكُمْ عَن ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنتُمْ مُنْتَهُونَ؟» (۱۰۱) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! شراب و قمار و بت‌ها و ازلام [نوعی بخت‌آزمایی]، پلید و از عمل شیطان است، از آن‌ها دوری کنید تا رستگار شوید! شیطان می‌خواهد به وسیله شراب و قمار، در میان شما عداوت و کینه ایجاد کند، و شما را از یاد خدا و از نماز بازدارد. آیا (با این همه زیان و فساد، و با این نهی اکید)، خودداری خواهید کرد؟! همچنین در آیه ۲۱۹ سوره بقره به کبیره بودن این گناه تصریح کرده و فرموده: «...يَسْأَلُونَكَ عَنِ الخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِنَّهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَّفْعِهِمَا...»؛ «در باره شراب و قمار از تو سؤال می‌کنند، بگو: «در آن‌ها گناه و زیان بزرگی است؛ و منافع (از نظر مادی) برای مردم در بردارد؛ (ولی) گناه آن‌ها از نفعشان بیشتر است...». آثار سوء بهداشتی و اخلاقی این گناه بسیار فراوان بوده که هم روح و روان انسان و هم جسم و تن او را نابود می‌کند؛ شراب‌خواری مادر همه گناهان است؛ چون در حال مستی که عقل او از کار می‌افتد، ممکن است به هر کاری دست بزند. چه مفاسدی که در بدن به وجود می‌آورد، چه مضرات اخلاقی که از بدزبانی و بداخلاقی، از انواع جنایت‌ها و هتک حرمت‌ها، کارهای غیر قانونی و غیر شرعی به هنگام مستی به وجود می‌آید. (۱۰۲) در این مورد روایات و احادیث فراوانی از معصومین علیهم السلام در نجاست، حرمت و مذمت خوردن و لعن خورنده آن وارد شده که فقط به یک نمونه حدیث از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله اکتفا می‌کنیم: قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «لعن الله الخمر و غارسها و عاصرها و شاربها و ساقیها و بايعها و مشتريها و آكل ثمنها و حاملها و المحمولة اليه»؛ (۱۰۳) «خدا لعنت کرده است شراب را، و غرس کننده درخت آن را و سازنده و تهیه کننده آن را و خورنده آن را، و ساقی آن را، و فروشنده آن را، و خریدار آن را، و خورنده پول آن را، و حمل کننده آن را، و آن که شراب برای او حمل می‌شود را!» در برخی دیگر از احادیث آمده است: شراب‌خوار به بهشت وارد نمی‌شود. به چنین شخصی نباید سلام کرد. هر که شراب بخورد و تا فاصله چهل روز بعد از آن بمیرد، بت پرست مرده است. نشستن و غذا خوردن در سفره‌ای که شراب گذاشتند و یا قرار است بعداً در آن شراب بخورند نیز حرام است. هر که شراب بخورد تا چهل روز نمازش مقبول نیست (۱۰۴) و اگر بمیرد و در شکمش از شراب چیزی باشد، بر خدا لازم است که بخوراند به او از چرک شکم زناکاران را که در جهنم جوشانده باشند... (۱۰۵) مراجع تقلید نیز تماماً در رساله‌های خود این مسئله را بیان کردند و هیچ رساله‌ای را نخواهید دید که از این حکم خالی باشد: مسئله: شراب و هر چیزی که انسان را مست کند؛ چنانچه به خودی خود روان باشد، نجس است... .

در امانت خیانت نکردن

«و لا یخُونُوا أمانَةً» اگر کسی به دیگری اعتماد کند و چیزی را به رسم امانت به وی بسپارد، باید در حفظ آن بکوشد. امانت‌داری و خیانت نکردن در آن، یکی از دستورات اسلامی است که یک انسان مسلمان لازم است نسبت به همه رعایت کند؛ چه برای مسلمان و چه برای غیر مسلمان، هیچ استثنایی ندارد، همان طور که در آیه شریفه نیز به آن اشاره شده است: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا...» (۱۰۶) خداوند به شما فرمان می‌دهد که امانت‌ها را به صاحبانش بدهید!... و پیامبر ما نیز حتی از قبل از بعثت

و در بین مشرکان، به جهت راستی و درستی کردار و امانت داری، به «محمد امین» معروف بود و هر که؛ حتی مشرکانی که دین و مذهب او را قبول نداشتند نیز هر چیز باارزشی داشتند به وی می سپردند. آری هر امانتی را باید به صاحب آن بازگرداند، چه امانت مادی و چه معنوی، چه امانت مردم و چه امانت خدا و رسولش و امانت امامت. «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا»؛ (۱۰۷) «ما امانت (تعهد، تکلیف، و ولایت الهیه) را بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها عرضه داشتیم، آن‌ها از حمل آن سر برتافتند، و از آن هراسیدند؛ اما انسان آن را بر دوش کشید؛ او بسیار ظالم و جاهل بود، (چون قدر این مقام عظیم را نشناخت و به خود ستم کرد)؛ و لذا در هیچ امانتی نباید خیانت کرد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (۱۰۸) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به خدا و پیامبر خیانت نکنید! و (نیز) در امانات خود خیانت روا مدارید، در حالی که میدانید (این کار، گناه بزرگی است)؛ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «أَدِّ الْأَمَانَةَ إِلَى مَنْ اتَّيَمَّنَكَ وَلَا تَخُنْ مَنْ خَانَكَ»؛ (۱۰۹) امانت داری کن نسبت به آن که با تو امانت داری کرده، و خیانت نکن؛ حتی نسبت به کسی که به تو خیانت کرده است. و در جای دیگر فرمودند: «لا إيمان لمن لا أمانة له؛ کسی که امانت دار نیست ایمان ندارد». همچنین فرمود: «المكر والخديعة والخيانة في النار»؛ (۱۱۰) «عاقبت مکر و نیرنگ و خیانت، دخول در آتش است».

خلاف عهد نکردن

«و لا يَخْلِفُوا الْعَهْدَ» یاران امام زمان علیه السلام با آن حضرت بیعت می کنند که به عهد و پیمان‌ها پایبند باشند و در آن تخلف نکنند. از این که می گوید با هیچ عهدی مخالفت نکند و هیچ پیمانی را نشکند، معلوم می شود که عهد و پیمان‌ها، انواع و اقسامی دارد، به این صورت که گاه انسان با مردم عهد و پیمان می بندد، گاه با خودش و گاه نیز با خدای خودش. عهد انسان با خداوند که مهم ترین عهد‌ها می باشد، همان عهدی است که خدا از انسان‌ها برای عبادت و پرستش اخذ کرده است: ۱ - «وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَى أَنْفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَى شَهِدْنَا أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ»؛ (۱۱۱) و (به خاطر بیاور) زمانی را که پروردگارت از پشت و صلب فرزندان آدم، ذریه آن‌ها را برگرفت؛ و آن‌ها را گواه بر خویشتن ساخت؛ (و فرمود): «آیا من پروردگار شما نیستم؟» گفتند: «آری، گواهی می دهیم!» (چنین کرد مبادا) روز رستاخیز بگویند: «ما از این، غافل بودیم؛ (و از پیمان فطری توحید بی خبر ماندیم)»؛ ۲ - «أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ * وَأَنْ اعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ»؛ (۱۱۲) آیا با شما عهد نکردم ای فرزندان آدم که شیطان را نپرستید، که او برای شما دشمن آشکاری است؟! و این که مرا پرستید که راه مستقیم این است؟! و در آیات متعددی ضمن یادآوری این عهد و پیمان، نقض و شکستن آن را به شدت تقبیح و بر آن وعده عذاب می دهد: «الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيَفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ»؛ (۱۱۳) فاسقان کسانی هستند که پیمان خدا را، پس از محکم ساختن آن، می شکنند؛ و پیوندهایی را که خدا دستور داده برقرار سازند، قطع نموده، و در روی زمین فساد می کنند؛ این‌ها زیانکارانند. انسان گاه با خودش هم عهد می بندد؛ کار خلافی کرده عهد می کند که دیگر آن را انجام ندهد؛ گناهی مرتکب شده با خودش پیمان می بندد که دیگر سراغ آن نرود. در این گونه موارد وجدان این شخص است و خودش و خدایش که چگونه عهد و پیمان خود را پاس بدارد. اگر کسی باشد که از هویت و شخصیت بالا و محکمی برخوردار است حتماً بر سر قول و قرار خود خواهد ایستاد؛ اما اگر فردی سست اراده باشد، و از ایمان قوی برخوردار نباشد، باکی ندارد که قرار خودش را زیر پا بگذارد. لکن آنچه که ظاهراً از همه مهم تر است و نمود بیشتری دارد، پیمان شکنی با مردم است؛ آن گاه که با کسی قراری می گذارد باید سر قرار حاضر شود. هر کسی یا باید وعده‌ای نگذارد، که اگر وعده داد باید به وعده‌اش وفا نماید؛ و هر فردی یا باید با کسی عهد و پیمان نبندد که اگر پیمان بست باید بر سر پیمانش بایستد. وعده و عهد و پیمان، یک قرارداد دو طرفه است که باید هر طرف به طرف مقابل خود احترام

بگذارد؛ اگر به وعده‌ها عمل نشود هیچ کسی به دیگری اعتماد نمی‌کند؛ به هیچ قول و قراری اطمینان نخواهد شد؛ هیچ امیدی به زندگی سالم اجتماعی نخواهد بود؛ کسی نمی‌داند فردایش چه می‌شود، ارتباط با دیگران چگونه خواهد شد. به همین جهت فرموده‌اند همه باید به عهد و پیمان خود پایبند باشند و کسی حق خُلف وعده ندارد. آیه شریفه در این زمینه می‌فرماید: «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ...»؛ (۱۱۴) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به پیمان‌ها (و قراردادهای) وفا کنید!... صریحاً امر می‌نماید که اگر مؤمن هستید به عهد خود وفا کنید و لذا در آیه دیگری وفای به عهد یکی از صفات متقین و پرهیزکاران شمرده شده است. (۱۱۵) و حتی نسبت به دشمنان نیز تأکید شده است. (۱۱۶) در این زمینه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: ۱ - «... وَلَا تَوَاعِدْ عَلَىٰ أُخَيْكَ مَوْعِدًا فَتُخْلَفَهُ»؛ (۱۱۷) با برادر دینی‌ات وعده‌ای نگذار که از آن تخلف کنی». ۲ - «الْعِدَّةُ دَيْنٌ، وَيْلٌ لِمَنْ وَعَدَ ثُمَّ أَخْلَفَ، وَيْلٌ لِمَنْ وَعَدَ ثُمَّ أَخْلَفَ، وَيْلٌ لِمَنْ وَعَدَ ثُمَّ أَخْلَفَ». (۱۱۸) وعده نوعی دین و تعهد است، وای بر کسی که وعده دهد و سپس خلف وعده نماید، وای بر کسی که وعده دهد ولی خلف وعده نماید، وای بر کسی که وعده دهد ولی تخلف وعده نماید! ۳ - «مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيُفِئْ إِذَا وَعَدَ»؛ (۱۱۹) هر کسی به خدا و روز قیامت ایمان دارد باید به وعده‌ای که می‌دهد عمل نماید. به این حدیث امام صادق علیه السلام نیز توجه کنید که فرموده است: «عِدَّةُ الْمُؤْمِنِ أَخَاهُ نَذْرٌ لَا كَفَّارَةَ لَهُ فَمَنْ أَخْلَفَ فَيُخْلَفِ اللَّهُ بَدَأَ وَلِمَقْتِهِ تَعَرَّضَ وَذَلِكُ قَوْلُهُ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ»؛ (۱۲۰) وعده دادن مؤمن به برادر ایمانی‌اش، مانند نذری است که کفار دارد، هر که خلف وعده کند به تخلف از خدا آغاز کرده و به دشمنی او درآویخته و چنین است سخن خداوند که فرمود: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چرا سخنی می‌گویید که عمل نمی‌کنید؟! نزد خدا بسیار موجب خشم است که سخنی بگویید که عمل نمی‌کنید!». (۱۲۱)

مواد غذایی را احتکار نکردن

«و لا یحبسوا طعاماً من بُرٍّ أو شَعِیرٍ» امنیت غذایی یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های هر جامعه‌ای است. شکم گرسنه را چیزی جز غذای مناسب نمی‌تواند جواب دهد و هیچ چیزی نمی‌تواند جایگزین آن شود؛ نه با پول و مقام می‌توان شکم گرسنه را سیر کرد، و نه با زور و سلاح. مواد غذایی روی زمین هم نه این که محدود باشد بلکه خداوند متعال که روزی رسان همه خلائق، از انسان و حیوان و چرنده و پرنده است، (۱۲۲) برای همه آن‌ها به اندازه لازم فراهم نموده است؛ لکن در این بین ممکن است برخی افراد پیدا شوند که حق و روزی سایر افراد را مانع شده و انبار و احتکار نمایند که این گناهی بس بزرگ بوده، بلکه اعلان جنگ با خداست. لذا در یک جامعه انسانی؛ بخصوص اسلامی، هر کسی وظیفه دارد که هم در تولید مواد غذایی تلاش و کوشش کند و هم در توزیع و جلوگیری از احتکار و انبار آن، مردم را از نگرانی و ناامنی غذایی برهانند.

پناهنده را نکشتن

«و لا یقتلوا مُسْتَأْمِنًا» مسئله امان دادن و پناهندگی، یکی از مصادیق عهد و پیمان است که به جهت اهمیت آن به طور مستقل در این بیعت‌نامه به آن پرداخته شده است. اگر کسی به علت ترس از دشمن یا برای تحقیق و یا هر نوع مشکل دیگری به شما مراجعه و پناه بیاورد، بزرگواری و کرم شما را قبول کرده، به شما اطمینان نموده و خود را در اختیار شما قرار بدهد، شما نیز باید به حسن اعتماد وی پاسخ داده، او را از هر لحاظ در پناه خود بگیرید. در این مورد آیه شریفه می‌فرماید: «وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّىٰ يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ ذَلِكُمْ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْلَمُونَ»؛ (۱۲۳) و اگر یکی از مشرکان از تو پناهندگی بخواهد، به او پناه ده تا سخن خدا را بشنود (و در آن بیندیشد)! سپس او را به محل امنش برسان، چرا که آن‌ها گروهی ناآگاهند! این یکی از اصول انسانی و حقوق بشری است که اسلام نیز آن را امضا نموده و بر آن مهر تأیید زده است.

شکست خورده را تعقیب نکردن

«و لا یتبعوا مُنْهَزمًا» هر بازی و هر کاری، مقرراتی دارد و دارای ضوابط و قواعد مخصوص به خود است؛ همان طور که صلح و آشتی دارای قانون و مقررات است، جنگ و کشتار هم قواعد خاصی دارد که همه به آن پایبندند؛ مانند نحوه شروع جنگ، زمان و مکان جنگ، محدوده آن، حقوق اسیران و مجروحان، کودکان و زنان،... در زمان‌های قدیم به این موارد اهمیت زیادی می‌دادند؛ یعنی اگرچه مردها با هم جنگ داشتند؛ اما به زنان و کودکان کاری نداشتند، یا اگر در میدان نبرد به رزم و کشتار می‌پرداختند، اما آن گاه که جنگ پایان می‌پذیرفت، دیگر شمشیر را کنار می‌گذاشتند، اگرچه در این زمان و با این سلاح‌ها و موشک‌ها و بمب‌ها، آن قواعد هم به هم خورده و کوچک و بزرگ، و زن و مرد نمی‌شناسد. یکی از این قواعد و مقررات در جنگ این است که اگر فردی شکست خورد و پشت به میدان کرد و فرار نمود و از کرده خود پشیمان شد، دیگر به تعقیب او نرود؛ البته پر واضح است که به شرطی که قصد مکر و حيله و یا تجدید قوا و حمله مجدد نداشته باشد.

خونی را به ناحق نریختن

«و لا یشفیکوا دَمًا» «سَفِکَ دَمٌ» یعنی خون‌ریزی کردن؛ در یکی از بندهای این بیعت نامه اشاره شد (۱۲۴) که کسی حق ندارد فردی را بی جهت به قتل برساند، در اینجا نیز چنین می‌فرماید که نباید خونی را بی جهت بریزند و یا خونریزی کنند. ظاهراً مراد از اولی، قتل و کشتن عادی و عمدی و بی دلیل در جامعه است و مقصود از دومی، کشتن و خون ریختن در جنگ می‌باشد؛ یعنی اگرچه میدان جنگ، جنگ است و بحث کشتن و کشته شدن مطرح است؛ ولی همانجا هم نباید انسان مسلمان به گونه‌ای رفتار کند که خُلق و خوی خونریزی پیدا کند (۱۲۵) و یا از این که کسی را می‌کشد و خونی را می‌ریزد لذت ببرد. (۱۲۶) از امام علی علیه السلام نقل شده که در جنگ و هنگام کشتن دشمن، تا چند پشت و نسل او را هم می‌دید که آیا مسلمان و مؤمنی به وجود خواهد آمد یا نه، آن گاه او را می‌کشت.

به شخص مجروح حمله نکردن

«و لا یجْهَزوا عَلَی جَریحٍ» همان طور که در پیشتر گفته شد (۱۲۷) هر کاری از جمله جنگ و مبارزه دارای قانون مخصوص خود است. یکی از مقررات انسانی و اسلامی در جنگ این است که به اسیر نباید ظلم کرد، به مجروح که او هم به نوعی اسیر است نباید آزار و اذیت رساند، کسی که با پیکری نیمه جان در گوشه‌ای افتاده است، حمله به چنین شخصی از جوانمردی به دور است. و یا اگر دست از حمله برداشتند و یا توان ندارند، رحم و فتوت و جوانمردی اقتضا می‌کند که به او حمله نشود. همان طور که امام علی علیه السلام به فرماندهان و سربازان خود چنین توصیه‌هایی را می‌فرمود. (۱۲۸) و یاران امام زمان علیه السلام نیز بیعت می‌کنند و تعهد می‌سپارند که از این قانون تبعیت نمایند.

لباس زبر پوشیدن

«و یلبسُونَ الْحَسَنَ مِنَ الثَّیَابِ» برخی از افراد همین که کمی دچار سختی و مشکل می‌شوند، می‌گویند امام ظهور کند تا ما راحت شویم و زندگی مرفهی داشته باشیم! فکر می‌کنند امام که بیایند از همان ابتدا همه چیز آماده است و می‌گویند بفرمایید! خیر، حضرت که ظهور بفرمایند تازه اول جنگ و جهاد است، تازه مبارزه سخت و بی‌امان شروع می‌شود، آنقدر باید فداکاری کرد، آنقدر باید سختی کشید، آنقدر باید مرارت چشید که ظالمان و ستمگران سر جایشان بنشینند. نظیر همین مطلب را یکی از یاران

امام صادق علیه السلام به نام معلی بن خُنس، به گونه دیگری با آن حضرت مطرح کرده و می‌گوید که به امام عرض کردم: ای کاش حکومت به دست شما می‌افتاد و ما هم به عیش و نوشی می‌رسیدیم، امام صادق علیه السلام فرمود: «وَاللَّهِ لَوْ كَانَ هَذَا الْأَمْرُ إِلَيْنَا لَمَا كَانَ إِلَّا أَكْلُ الْجَشِبِ وَ لُبْسُ الْخَشِينِ»؛ (۱۲۹) «به خدا قسم اگر این امر و حکومت به دست ما بود چیزی جز غذای خشک و لباس خشن نبود!» و نیز در بیانی دیگر مفضل بن عمر می‌گوید که هنگام طواف در خدمت امام صادق علیه السلام بودم، حضرت نگاهی به من کردند و فرمودند: چه شده تو را مغموم و رنگ پریده می‌بینم؟ گفتم: فدایتان شوم! بنی عباس را می‌بینم با این امکانات و سلطنت و جبروت، کاش این برنامه‌ها برای شما بود و ما هم در کنار شما بودیم. حضرت فرمودند: «یا مفضلُ أَمَا لَوْ كَانَ ذَلِكَ لَمْ يَكُنْ إِلَّا سَيَاسَةُ اللَّيْلِ وَ سَيَاحَةُ النَّهَارِ وَ أَكْلُ الْجَشِبِ وَ لُبْسُ الْخَشِينِ شَتْبَهُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ إِلَّا فَالِنَارُ فَرَوَى ذَلِكَ عَنَّا فَصَرَفْنَا نَأْكُلُ وَ نَشْرَبُ...»؛ (۱۳۰) «ای مفضل! بدان که اگر چنین بود، چیزی جز بیداری در شب، فداکاری در روز، غذای خشک و لباس خشن نبود، همانند زندگی امیرالمؤمنین علیه السلام که اگر غیر از این باشد آخرش آتش است. اما اکنون این امور از ما دور است، خوب می‌خوریم، و خوب می‌نوشیم...» (۱۳۱) به همین جهت و برای آمادگی یاران امام زمان علیه السلام به سختی‌های زمان ظهور، با ایشان بیعت می‌شود که خود را از تن پروری و راحت‌طلبی دور بدارند، و غذای چرب و شیرین و لباس نرم را کنار بگذارند.

خاک را متکای خود قرار دادن

«و يوسدُونَ التُّرَابَ عَلَى الْخُدُودِ» این که انسان خاک را متکای خود قرار دهد و یا سر خود را روی زمین بگذارد، تعبیر دیگری از ساده زیستی است، و چنانچه بخواهند نهایت سادگی زندگی کسی را و پایین بودن سطح آن را تعبیر کنند، می‌گویند فلانی خیلی خاکی است. این خاکی بودن، انسان را به یاد تعبیر رسول خدا صلی الله علیه و آله در مورد امیرمؤمنان علیه السلام می‌اندازد که به جهت زندگی ساده، روی زمین خوابیدن، و زیاد سجده کردن، به آن حضرت لقب «ابو تراب» را دادند. او در حالی به کمترین امکانات قناعت کرد که در همان زمان، دیگرانی مانند معاویه بودند که در کاخ‌های آن چنانی به زندگی اشرافی می‌پرداختند. این که خاک را متکای خود قرار دهد؛ یعنی لازم نیست حتماً روی تشک‌های گرم و نرم بخوابد، قالی‌ها و فرش‌های رنگارنگ ضرورتی ندارد، وقتی انسان می‌تواند با وسایل ابتدایی و ساده هم، زندگی آرام و بی‌دردسری داشته باشد چرا خود را و عمر خود را و زندگی و آسایش خود را برای به دست آوردن وسایل مادی زندگی از دست بدهد؟! یاد بیاوریم فرمایش آن امام عزیز و خمینی بزرگ را که همگان را نصیحت می‌کرد و می‌فرمود «زی طلبگی» داشته باشید؛ یعنی همانند یک طلبه‌ای که تازه از شهر و دیار خود کوچ می‌کند و به حوزه علمیه وارد می‌شود، غیر از چند کتاب و یک دست لباس و چند ظرف و گلیم و پتو چیز دیگری ندارد و هیچ تعلقی به دنیا نسپرده است. و او که خود رهبر میلیون‌ها مسلمان و آزاده سراسر جهان بود، او که میلیاردها پول و ثروت در اختیارش بود و اگر اراده و اشاره می‌کرد، جان‌ها بود که نثارش می‌شد، پیش از همه و بیش از همه به این نصیحت عمل کرد و زی طلبگی خود را کنار نگذاشت و به حداقل امکانات اکتفا نمود. درود خدا بر او و یادش به خیر باد! همو که قلمی را بر روی کاغذ لرزاند و هزاران جان شهادت طلب را به سوی جبهه‌ها روان ساخت تا خون خود را پای درخت اسلام عزیز جاری سازند. او که بیانش حکایت‌گر سیره رسول الله صلی الله علیه و آله بود و رفتارش تصویرگر گفتار ائمه دین علیهم السلام. قلم و بیان آن مدافع راستین اسلام عزیز، ابّتهت دو ابر قدرت را تا قیام قیامت شکست. فرهنگ جهاد و شهادت را زنده نمود، نقش خون را از بستر خفته ملت‌ها بیدار ساخت، و فریاد بلند آزادی ملت‌ها را سر داد که ای آزادی‌خواهان جهان! اگر مصلحتی در راه است باید خود را آماده ساخت و باید خود را برای حکومت آن عدل مجسم مهیا نمود. الحق و الانصاف یک منادی امام زمانی بود که خود را برای پا در رکاب بودن آقا آماده ساخت و جامعه اسلامی را از خواب غفلت بیدار کرد و نام عزیز زهرالعظیمها السلام را در اذهان زنده ساخت. به امید روزی که مأمومین آن امام، همانند او خودساخته شوند و در رکاب امام عصر علیه السلام قیام نمایند.

نان جو خوردن

«و یأکلون الشَّعِیرَ» ظاهراً در دوره‌ای از زمان‌ها بوده که گندم و آرد و نان گندم، مانند امروز خیلی مرسوم نبوده و طبق نقل تاریخ و بیان گذشتگان، دسترسی و تهیه نان گندم بسیار دشوار بوده است. (۱۳۲) و فقط افراد بالای جامعه می‌توانستند از آن استفاده کنند و اکثر مردم جامعه، از سطح متوسط به پایین، بیشتر نان جو می‌خوردند که آن هم ظاهراً سخت و نامرغوب بوده است. حال در این بند از بیعت نامه تأکید شده که یاران امام زمان علیه السلام باید سطح زندگی و خوراک خود را در سطح متوسط جامعه و پایین‌تر از آن قرار دهند. دوستان و یاران حضرت، بیعت می‌کنند که همانند اکثریت مردم غذا بخورند، نه این که از بهترین غذاهای چرب و شیرین استفاده کنند، در حالی که در همسایگی آنان و در حاشیه شهر و دیار خود، افرادی باشند که به نان شب خود نیز محتاج هستند.

قناعت کردن و به کم راضی بودن

«و یرضونَ بِالْقَلِیلِ» قناعت ضد صفت حرص است؛ یعنی صفت و حالتی از نفس است که باعث اکتفا کردن به قدر حاجت می‌باشد. قناعت مرکبی است که انسان را به مقصد اصلی می‌رساند و سعادت ابدی را برای او به ارمغان می‌آورد؛ زیرا هر که به قدر ضرورت قناعت کرد و دل را مشغول زواید نکند، همیشه فارغ البال می‌باشد و حواس او جمع است و تحصیل آخرت برایش آسان می‌شود. (۱۳۳) قناعت گنجی است که پایان ندارد، قناعت موجب راحتی و آسایش دنیاست، قناعت سبب آسان شدن حساب و کتاب آخرت است. چون روایت شده است که مال دنیا به گونه‌ای است که در حلال آن حساب است و در حرام آن عقاب می‌باشد؛ یعنی بر فرض هم که حلال باشد باید پای میز حساب و کتاب حاضر شود. به چند حدیث در این زمینه توجه بفرمایید: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «علیکم بالقناعتِ فَإِنَّ القناعتَ مَالٌ لَا ینفدُ»؛ سفارش می‌کنم شما را به قناعت که آن سرمایه پایان‌ناپذیر است. «اذا کان عندک ما یکفیک فلا تطلب ما یتغیک»؛ (۱۳۴) اگر به اندازه کفایت از مال دنیا داری، به دنبال بیشتر آن نرو که دچار طغیان می‌شوی. امام باقر علیه السلام فرمود: «إِیاکَ أَنْ تُطْمَحَ بِصَیْرَکَ إِلَى مَنْ فَوْقَکَ فَکَفَى بِمَا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِنَبِیِّهِ صَلی الله علیه و آله: «فَلَا تُعْجِبْکَ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ» (۱۳۵) وَقَالَ: «وَلَا تَمِدَّنْ عَیْنِکَ إِلَى مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَیَاةِ الدُّنْیَا» (۱۳۶) فَإِنَّ دَخَلَکَ مِنْ ذَلِکَ شَیْءٌ فَادْکُرْ عِیشَ رَسُولِ اللَّهِ صَلی الله علیه و آله فَإِنَّمَا کَانَ قُوْتَهُ الشَّعِیرَ وَحَلْوَاهُ التَّمْرُ وَوَقُودُهُ السَّعْفَ إِذَا وَجَدَهُ»؛ (۱۳۷) پرهیز از این که در امور مادی به بالاتر از خود توجه کنی پس تو را کافی است همین سخن خداوند متعالی که به پیامبرش فرمود: زیادی فرزندان و اموال کافران تو را به تعجب نیندازد. و نیز فرمود: هرگز چشم خود را به نعمت‌های (مادی)، که به گروه‌هایی از آن‌ها [= کفار] دادیم، می‌فکن! و به خاطر آنچه آن‌ها دارند، غمگین مباش!... و اگر با این حال چیزی در ذهن و خاطرات وارد شد زندگانی رسول خدا صلی الله علیه و آله را به یاد آور که غذایش نان جو و شیرینی اش خرما و زیراندازش حصیر و لیف خرما بود، همان را هم اگر پیدا می‌کرد». امام صادق علیه السلام فرمود: «مَنْ رَضِيَ مِنَ اللَّهِ بِالْبَيْسِيرِ مِنَ الْمَعَاشِ رَضِيَ اللَّهُ مِنْهُ بِالْبَيْسِيرِ مِنَ الْعَمَلِ»؛ (۱۳۸) «هر که از خدا به اندک معیشتی قناعت کند و راضی شود، خدا هم به اندک عمل از او راضی می‌شود. سفارش لقمان به پسرش نیز چنین بوده است: «یا بنی! کن قنعاً تعیش غنیاً و کن متقیاً تکن عزیزاً»؛ (۱۳۹) ای پسر! قانع باش تا بی‌نیاز شوی، و متقی و پرهیزکار باش تا عزیز و محترم گردی. از حضرت عیسی علیه السلام نقل شده که فرمود: «یا معشر الحواریین! ارضوا بِدَنی الدنیا مع سلامه الدین کما رضی اهل الدنیا بِدَنی الدین مع سلامه الدنیا»؛ (۱۴۰) ای گروه انصار من! به کم دنیا راضی باشید همراه با سلامت دینتان؛ همان طور که اهل دنیا به کم دین راضی شدند با سلامت دنیا. یعنی تا جایی دنبال دنیا بروید که به دینتان لطمه‌ای وارد نشود؛ چون اگر بیشتر وقت خود را برای بدست آوردن دنیا صرف کنید از عمل به دین باز خواهید ماند؛ همان طور

که اهل دنیا تا جایی با دین همراهی می‌کنند که به دنیایشان ضرری نرسد.

در راه خدا جهاد و کوشی کردن

«وِجَاهِدُونَ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ» هر کاری که برای خدا باشد، آن کار را «لِلَّهِ» و «فِي اللَّهِ» گویند، هر کاری که در مسیر کسب رضایت خداوند باشد آن را «فِي سَبِيلِ اللَّهِ» گویند. و انسان مسلمان باید تلاش کند که تمام کارهایش برای خدا و در راه خداوند و جهت کسب رضایت او باشد و در این راه کمترین مضایقه را روا ندارد، خصوصاً کسی که منتظر حکومت جهانی اسلامی است، و به ویژه کسی که دوست دارد از اصحاب و یاران امام زمان علیه السلام باشد، چنین کسی با امام خود پیمان می‌بندد که نهایت سعی و تلاش خود را در این راه به کار بگیرد؛ «حَقَّ جِهَادِهِ» یعنی آن‌طور که بایسته و شایسته است به این کار قیام نماید. بیعت می‌کنند که: «يَجَاهِدُونَ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ!» «جهاد فی اللّٰه» آن هم «حَقَّ جِهَادِهِ» چنان که آیه شریفه فرموده: «وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ...»؛ (۱۴۱) جهاد با «حَقَّ جِهَادِهِ» از اوصاف امامان معصوم است که ما هر روز در زیارت‌نامه‌هایشان می‌خوانیم؛ مثلاً به ایشان عرض می‌کنیم: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، أَشْهَدُ أَنَّكَ جَاهِدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ، وَعَمِلْتَ بِكِتَابِهِ»؛ (۱۴۲) خدایا این بزرگواران در راه تو از هیچ کوششی دریغ نکردند و آن‌طور که بایسته و شایسته بود در راه تو جهاد و تلاش نمودند. از خدا می‌خواهیم که ما را از کسانی قرار دهد که با امام خود پیمان می‌بندند نهایت سعی و کوشش خود را در راه خدا انجام دهند؛ یعنی آنجا که قرار است جنگ کنند، بجنگند؛ آنجا که قرار است صلح کنند دست نگه دارند؛ اگر جایی لازم است، سکوت کنند، اگر لازم است فریاد بزنند. آن که کارگر است وظیفه خود را به خوبی انجام دهد، نیروی نظامی است به تکلیف خود عمل کند، پزشک و روحانی است مردم را از بیماری‌های جسم و جان نجات دهند. به موقع عبادت خدا کند، دست فقیر را بگیرد، شخص بدهکاری را خلاص کند، افتاده‌ای را بلند نماید، یتیمی را خوشحال کند، مسجدی را آباد کند، سبب خیر برای دیگران شود... .

بوی خوش استعمال کردن

«وِيشْمُونَ الطَّيِّبَ» انسان مؤمن نه تنها اخلاق و رفتارش طیب و طاهر است و نه تنها غذایش باید طیب و حلال باشد؛ بلکه ظاهر و بوی او نیز باید طیب باشد، بوی او، عرق او، همه باید خوش و عطری باشد. همان‌طور که نقل شده، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که الگوی حسنه و عملی همه انسان‌ها می‌باشند، (۱۴۳) در این زمینه نیز بسیار دقت داشتند، و درصد زیادی از هزینه زندگی ایشان صرف خرید عطر و بوی خوش می‌شد. البته در قدیم به جای عطر، روغن می‌مالیدند که هم بوی خوش داشت و هم از خاصیت دارویی و تقویتی برخوردار بود. (۱۴۴) این دستور اسلامی و قانون خدایی موقعی آثارش نمود پیدا می‌کند و آشکار می‌شود که بدانیم یک مسلمان دستور دارد که در هر شبانه روز پنج نوبت نماز بخواند و این عبادت را هم تا حد امکان در مسجد و در کنار سایر مسلمانان و به جماعت انجام دهد. بسیاری از شعائر مذهبی به صورت دسته‌جمعی و در اجتماع مردم برگزار می‌شود؛ حضور هفتگی در نماز جمعه، نمازهای میلیون‌ها عید فطر و قربان، و مراسم بزرگ حج، برخی از اجتماعات میلیونی مسلمانان است که اگر در این زمینه قصور شود، هیچ دو نفری نمی‌توانند در کنار یکدیگر جمع شوند، و از بوی نامطبوع یکدیگر فرار خواهند کرد. لذا یک مسلمان و شیعه امام زمان علیه السلام باید ظاهری آراسته و با بویی خوش و مطبوع در اجتماع حاضر شود تا سایر مسلمانان که به او می‌رسند، از بوی خوش وی مسرور شوند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هرگاه می‌خواست از منزل بیرون بیاید، خود را آراسته می‌کرد، در آینه نگاه می‌کرد؛ حتی اگر آینه هم وجود نداشت در آب نگاه می‌کرد و اگر بوی خوش و عطری به ایشان تعارف می‌کردند، رد نمی‌فرمود. لذا مستحب است که اگر بوی خوش و عطر به کسی تعارف کردند، حتماً بپذیرد. (۱۴۵)

از پلیدی و نجاست دوری کردن

«و یَكْرَهُونَ النَّجَاسَةَ» نجاست و پلیدی و خباثت یعنی هر آنچه که نفس پاک انسان از آن متنفر و منزجر است. طبع پاک و نفس خدایی انسان اگر سالم بماند، فقط خواهان طبیات و طاهرات است، طبع او با چیزهای طیب و طاهر و پاک موافقت دارد و از نجاست و خباثت به دور است. به همین جهت کسی که می‌خواهد یار و یاور امام زمان علیه السلام باشد، باید طبع و نفس او به گونه‌ای باشد که از هر گونه نجاست و پلیدی و آلودگی به دور باشد؛ چه پلیدی‌های ظاهری و چه باطنی؛ چه مادی و چه معنوی؛ از لباس نجس و آلوده باید به دور باشد و لباسش طاهر و پاک باشد؛ از غذای پلید و حرام و نجس دور باشد و لقمه‌اش طیب و طاهر و حلال باشد؛ زبان خود را به کلمات رکیک و ناشایست، آلوده نکند و از دهانش جز ذکر و یاد و تسبیح خدا و سخن خیر بیرون نیاید؛ ذهن خود را از افکار پلید و شیطانی و شهوانی خالی کند، تفکرش سالم باشد، خیالاتش طاهر باشد و حدس و گمان‌هایش نیز طیب باشد. همچنان که در آیه شریفه می‌فرماید: «فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ»؛ (۱۴۶) «... از پلیدی‌های بتها اجتناب کنید! و از سخن باطل پرهیزید!» و آیه شریفه دیگر که خطاب به پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم می‌فرماید: «وَتِيَابِكَ فَطَهَّرْ» وَالرَّجْزَ فَاهْجُرْ»؛ (۱۴۷) «و لباست را پاک کن، و از پلیدی دوری کن».

امر به معروف کردن نهی از منکر نمودن

«و یأمرون بالمعروف، و ینهون عن المنکر» یعنی به کارهای واجب و خیرات دعوت و امر کردن و از کارهای حرام و ناشایست، باز داشتن و نهی کردن، از مهم‌ترین واجبات الهی امر بمعروف و نهی از منکر است که در چندین آیه از قرآن کریم به آن اشاره شده است: ۱- «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»؛ (۱۴۸) «باید از میان شما، جمعی دعوت به نیکی، و امر به معروف و نهی از منکر کنند! و آن‌ها همان رستگارانند». و کسی که به خدا ایمان داشته باشد، حتماً به این وظیفه و واجب دینی خود عمل می‌کند؛ چنان که قرآن کریم نیز آن را یکی از صفات مؤمنان بر شمرده است: ۲- «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيَطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ»؛ (۱۴۹) «مردان و زنان باایمان، ولی (و یار و یاور) یکدیگرند؛ امر به معروف، و نهی از منکر می‌کنند؛ نماز را برپا می‌دارند؛ و زکات را می‌پردازند؛ و خدا و رسولش را اطاعت می‌کنند؛ بزودی خدا آنان را مورد رحمت خویش قرار می‌دهد؛ خداوند توانا و حکیم است!» و آنان که این فریضه الهی را انجام می‌دهند برترین افراد هستند: ۳- «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِنْهُمُ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ»؛ (۱۵۰) «شما بهترین امتی بودید که به سود انسان‌ها آفریده شده‌اند؛ (چه اینکه) امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید و به خدا ایمان دارید. و اگر اهل کتاب، (به چنین برنامه و آیین درخشانی،) ایمان آورند، برای آن‌ها بهتر است! (ولی تنها) عده کمی از آن‌ها با ایمانند، و بیشتر آن‌ها فاسقند، (و خارج از اطاعت پروردگار)» و پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله نیز به تصریح قرآن، یکی از کارهای مهم ایشان امر به معروف و نهی از منکر بود: «الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي فِي التَّورَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيَجْلُلُ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيَحْزِمُ عَلَيْهِمُ الْحَبِيثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»؛ (۱۵۱) «همان‌ها که از فرستاده (خدا)، پیامبر «امی» پیروی می‌کنند؛ پیامبری که صفاتش را، در تورات و انجیلی که نزدشان است، می‌یابند؛ آن‌ها را به معروف دستور می‌دهد، و از منکر باز می‌دارد؛ اشیای پاکیزه را برای آن‌ها حلال می‌شمرد، و ناپاکی‌ها را تحریم می‌کند؛ و بارهای سنگین، و زنجیرهایی را که بر آن‌ها بود، (از دوش و گردنشان) بر می‌دارد، پس کسانی که به او ایمان آوردند، و حمایت و یاریش

کردند، و از نوری که با او نازل شده پیروی نمودند، آنان رستگارانند». پیامبر و امامان معصوم‌علیهم السلام نیز در روایات فراوانی به این دو واجب مهم تأکید نموده‌اند؛ از جمله امام باقر علیه السلام فرموده است: «ان الامر بالمعروف والنهی عن المنکر سبیل الانبیاء و منهاج الصلحاء، فریضه عظیمه بها تقام الفرائض و تأمن المذاهب و تحل المكاسب، و ترد المظالم، و تعمر الارض علی و یتتصف من الاعداء، و یتستقیم الامر، فانکروا بقلوبکم، والفظوا بالستکم، و صکوا بها جباههم ولا تخافوا فی الله لومه لائم»؛ (۱۵۲) همانا امر به معروف و نهی از منکر راه پیامبران و طریق صالحان می‌باشد، واجب بزرگی که همه واجبات دیگر به واسطه آن اقامه می‌شود، مذاهب امنیت می‌یابند، تجارت‌ها حلال می‌شود، حقوق پایمال شده مسترد می‌گردد، زمین آباد می‌شود، نسبت به دشمنان انصاف رعایت می‌شود و کارها در راه مستقیم جریان می‌یابد. پس به قلبتان از کار بد دیگران اظهار ناراحتی کنید و به زبان نهی از منکر کنید و در راه خدا از هیچ سرزنش و ملامتی نترسید. حقیقت این است که همان طور که انحراف جامعه اسلامی از راه‌های باریک و زاویه‌های کوچک شروع می‌شود، اصلاح جامعه نیز همین گونه باید پیگیری شود؛ یعنی هرگاه شیطان و نفس اماره بتوانند فقط یک نفر را از مسیر مستقیم خدا منحرف کنند، همین یک نفر می‌تواند رفیق خود، برادر خود، همکار خود، همکلاسی و یا همسایه خود را هم منحرف نماید و همین طور تا سایر افراد جامعه؛ متقابلاً اگر هر یک از افراد جامعه در برابر خود و رفیق و خانواده خود، و همسایه و همکلاسی و همشهری و همکیش خود احساس مسئولیت کند، و از کوچک‌ترین زاویه و خطا جلوگیری نماید، کل جامعه اسلامی در طریق مستقیم خدا هدایت و باقی می‌ماند و به صلاح و فلاح و رستگاری می‌رسند. اما اگر هر کسی، آن‌گاه که اولین انحراف را می‌بیند سکوت کند، آن دیگری هم همین حرف را بگوید، این انحراف و فساد گسترش می‌یابد و کل جامعه را ساقط می‌کند. یعنی دیگر هیچ واجبی را نمی‌توان عمل نمود، هیچ عبادتی انجام نخواهد شد، و این است معنای فرمایش حضرت که فرمود بهما تقام الفرائض.

به چیزی که نمی‌دانند گواهی ندادن

«و لایشهدوا بما لا یعلمون» در یک جامعه انسانی که افراد متعدد با نیت متفاوت و حقوق و تکالیف متعارض وجود دارند، وجود اختلاف نیز حتمی است؛ یعنی حقوق افراد گاه با تکالیف دیگران متعارض می‌شود که برای اثبات حق هر فردی راه‌های گوناگونی هم وجود دارد، یکی از این راه‌ها گواهی و شهادت دادن دیگران است. یعنی با شهادت و گواهی دو نفر، حقی برای کسی ثابت می‌شود که اگر خدای نکرده دروغی در کار باشد و یا به هر نحوی مکر و حیلہ کنند، ممکن است حقی پایمال گردد و به افرادی ظلم شود. به همین جهت در شرع مقدس اسلام، هم برای شهادت راست دادن تشویق و ترغیب شده که آنچه مردم می‌دانند کتمان نکنند (۱۵۳) و هم بر شهادت دروغ وعده عذاب داده شده است: «وَلَمَّا تَكْتُمُوا الشَّهَادَةَ وَمَنْ يَكْتُمْهَا فَإِنَّهُ آثِمٌ قَلْبُهُ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ»؛ (۱۵۴) «... و شهادت را کتمان نکنید! و هر کس آن را کتمان کند، قلبش گناهکار است. و خداوند، به آنچه انجام می‌دهید، داناست». و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مورد گواهی و شهادت دروغ فرمودند: «بیعت شاهد الزور یوم القیامه مدلعا لسانه فی النار»؛ (۱۵۵) شاهد و گواه دروغ، در روز قیامت در حالی برانگیخته می‌شود که زبانش از دهانش بیرون آمده و به آتش می‌رسد. در سوره فرقان وقتی اوصاف «عباد الرحمان» و بندگان خاص خدا را بر می‌شمرد به اینجا می‌رسد که می‌فرماید: «وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا»؛ (۱۵۶) «و کسانی که شهادت به باطل نمی‌دهند (و در مجالس باطل شرکت نمی‌کنند)؛ و هنگامی که با لغو و بیهودگی برخورد کنند، بزرگوارانه از آن می‌گذرند».

طلا و نقره ذخیره نکردن

«و لایکنزون ذهبا و لافضة» مضمون حدیثی از معصومان علیهم السلام است که فرموده‌اند: هیچ ثروت انباشته شده‌ای ندیدم مگر

این که حقّ مظلومی در کنار آن پایمال شده باشد. اگر خدا، خدایی می‌کند که خودش بهتر می‌داند مخلوقاتش را چگونه اداره کند، خودش خوب می‌تواند روزی‌شان را تأمین کند؛ به گونه‌ای که کسی با شکم گرسنه سر بر زمین نگذارد؛ لکن از طرفی خدا انسان را آزاد آفریده، دنیا را دار تکلیف قرار داده، دار عمل نام نهاده است و از طرفی هم نفس انسان و شیطان، او را به سرکشی و سوسه می‌کنند، به طغیان دعوت می‌کنند، و به گناه و معصیت و ظلم تشویق می‌کنند که نتیجه آن‌ها گناه این می‌شود که کسانی به دیگران ظلم کنند، عدّه‌ای همه چیز را برای خود بخواهند و افرادی ثروت اجتماع را در خانه و حساب بانکی خود انبار کنند. آن‌گاه خیل عظیمی از جامعه به فقر و تنگدستی دچار شوند که حتی لقمه نانی برای سیر کردن شکم فرزندان خود نداشته باشند، سایبان و سقفی نداشته باشند که شب را در آرامش و آسایش در آن به سر برند. کسی که ادّعا می‌کند دوستدار امام زمان‌علیه‌السلام است از این اعمال به دور است، آن که دوست دارد یار و یاور امام زمان‌علیه‌السلام باشد به این وضع راضی نیست، کسی که منتظر قیام و ظهور است باید مقدمات آن را با اعمال خود تا آنجا که می‌تواند فراهم کند. البته ناگفته نماند که سرمایه داشتن و کار کردن و تولید جامعه را بالا بردن، بد نیست، ثروت اندوزی و محروم کردن مردم از مواهب خدادادی ناپسند است.

اما آنچه که امام زمان‌علیه‌السلام برای یارانش تعهد می‌کند:

۱- برای خود ملازم و دربانی نگیرد. ۲- هر کجا می‌روند با ایشان باشد. ۳- چون آنان لباس بپوشد. ۴- بر مرکوبی مانند مرکوب آنان سوار شود. ۵- چنان باشد که آنان هستند و دوست دارند. ۶- به کم راضی و قانع باشد. ۷- به یاری خدا زمین را پر از عدل کند، چنان که از ظلم پرشده است. ۸- خدا را آن گونه که باید و شاید عبادت کند. ۹- خراسان برایش فتح خواهد شد. ۱۰- اهل یمن مطیع او خواهند شد. ۱۱- لشکرهایی از یمن به استقبال وی خواهند آمد. (۱۵۷)

نتیجه و نگاه کلی

با یک نگاه کلی به بندهای بیعت‌نامه و بررسی آثار آن، به این نتیجه می‌رسیم که جهان مهدوی و جامعه اسلامی، جامعه‌ای است که همه مردم دین‌دار، در امنیت، سلامت، آزادی و رفاه نسبی به سر می‌برند. وقتی کسی دزدی و احتکار نکند، برای به دست آوردن ثروت و دارایی‌ای که داشتن و نداشتنش در زندگی او تأثیر چندانی ندارد تلاش نکند، به حقّ خود قانع بوده و به حقوق دیگران تجاوز ننماید و دارایی‌های بدون استفاده‌اش را انباشته نکند که دیگران از آن بی‌نصیب شوند، این امکان برای تمام مردم جامعه پیدا می‌شود که در یک موقعیت مناسب زندگی کرده و از تمام مواهب یک زندگی در سطح خوب استفاده کنند و هر کدام به سهم خود در تولید ثروت و مصارف زندگی سعی و تلاش خواهد کرد و لذا سایه فقر و تنگدستی از جامعه مهدوی بر چیده خواهد شد. امنیت جامعه مهدوی یکی دیگر از نتایجی است که با عمل به این بیعت‌نامه به دست می‌آید، وقتی کسی به دیگری تعرّض نکند، کسی راه‌ها را ناامن و راهزنی نکند، دزد و سارق پیدا نشود، مردم در حفظ آبروی خود احساس آرامش نمایند، خانه‌ها امنیت داشته باشد، همه در آسایش و آرامش و امنیت زندگی خواهند کرد. اگر جامعه در امنیت به سر ببرد، آزادی افراد نیز خود به خود تأمین می‌شود، همه با آزادی کامل و امنیت خاطر زندگی می‌کنند و به کار و زندگی و سفر مبادرت خواهند ورزید. اگر همه از گناهان و نجاسات دوری کنند، از پلیدی‌ها اجتناب نمایند، کسی شراب نخورد، مواد مخدر مصرف نکند، ... و به همه دستوره‌های بهداشتی اسلام، از فردی و اجتماعی، و روحی و اخلاقی و جسمانی، عمل نمایند، همه به سلامت خواهند بود و جامعه سالم مهدوی شکل خواهد گرفت. به امید آن روز خجسته!

۱) رَبَّنَا إِنَّا سَجَعْنَا مُنَادِيًا ينادي لِلإيمانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَأَمَنَّا...؛ سوره آل عمران، آیه ۱۹۳. ۲) يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ...؛ سوره انفال، آیه ۲۴. ۳) يا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَمَّا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ؛ سوره مائده، آیه ۶۷. ۴) همان طور که رسول خدا صلی الله علیه و آله نسبت به امتش چنین بود: «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ»؛ به یقین، رسولی از خود شما به سويتان آمد که رنج‌های شما بر او سخت است؛ و اصرار بر هدایت شما دارد؛ و نسبت به مؤمنان، رئوف و مهربان است! سوره توبه، آیه ۱۲۸. ۵) ۶) بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۵. ۷) همانند آنچه قوم حضرت موسی علیه السلام به ایشان گفتند تو برو به همراه خدایت با کافران جنگ کن، ما هم اینجا هستیم: «قَالُوا يَا مُوسَى إِنَّا لَن نَدْخُلُهَا أَبَدًا مَا دَامُوا فِيهَا فَادْهَبْ أَنْتَ وَرَبُّكَ فَقَاتِلْ إِنَّا هَاهُنَا قَاعِ ادُون»؛ سوره مائده، آیه ۲۴. ۸) وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَأَمَنَّ مِنَ فِي الْأَرْضِ كُلَّهُمْ جَمِيعًا...؛ و اگر پروردگار تو می‌خواست، تمام کسانی که روی زمین هستند، همگی به (اجبار) ایمان می‌آوردند؛...». سوره یونس، آیه ۹۹. ۹) تعدادی از دوستان شهیدم از شهر بسطام. ۱۰) بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۴۳؛ غیبت نعمانی، ج ۲۹، ص ۱۱۱. ۱۱) مرآة الانوار و مجمع البحرين به نقل از مکیال المکارم، ج ۲، ص ۳۳۱. ۱۲) مکیال المکارم، ج ۲، ص ۳۳۲. ۱۳) إِنَّ الَّذِينَ يَبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يَبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ...؛ کسانی که با تو بیعت می‌کنند (در حقیقت) تنها با خدا بیعت می‌نمایند، و دست خدا بالای دست آن‌هاست. ۱۴) مکیال المکارم، ج ۲، ص ۳۳۲. ۱۵) در صفحه ۱۵. ۱۶) البته که همین نیت و خواست قلبی نیز، پاداش و ثوابی جداگانه دارد که فرموده‌اند نیت شخص مؤمن از عمل او برتر است؛ زیرا انگیزه و مقدمه انجام کار خیر می‌باشد. ۱۷) به خصوص مفاتیح الجنان مرحوم شیخ عباس قمی. ۱۸) که فقط تعداد اندکی از این واجبات و محرمات در این جزوه ذکر شده و توضیح مختصری پیرامون آن بیان گردیده است. ۱۹) برخی از آیات مربوطه چنین است: سوره بقره، آیه ۸۳؛ مائده، آیه ۹۳؛ یونس، آیه ۹؛ رعد، آیه ۲۹؛ حج، آیه ۱۴؛ تین، آیه ۷؛ بینه، آیه ۷؛ عصر، آیه ۳. ۲۰) فرازهایی از تاریخ پیامبر اسلام، ص ۱۸۲؛ مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۱۵۰؛ بحار الانوار، ج ۱۵، ص ۳۶۹ و ج ۱۹، ص ۱۵. ۲۱) فرازهایی از تاریخ پیامبر اسلام، ص ۱۸۴؛ بحار الانوار، ج ۱۵، ص ۳۷۰. ۲۲) بحار الانوار، ج ۳۸، ص ۲۱۷. ۲۳) سوره فتح، آیات ۱۷ و ۱۸. ۲۴) سوره فتح، آیه ۱۰. ۲۵) بحار الانوار، ج ۳۸، ص ۲۱۷. ۲۶) سوره ممتحنه، آیه ۱۲. ۲۷) فرازهایی از تاریخ پیامبر اسلام، ص ۴۵۰؛ بحار الانوار، ج ۲۱، ص ۹۷. ۲۸) سورره مائده، آیه ۶۷. ۲۹) احتجاج، ج ۱، ص ۶۶؛ بحار الانوار، ج ۳۷، ص ۲۱۵؛ روضه الواعظین، ج ۱، ص ۹۸؛ العدد القویه، ص ۱۸۰؛ یقین، ص ۳۵۸؛ مکیال المکارم، ص ۳۳۶. ۳۰) اصول کافی، ج ۱، ص ۳۷۶؛ صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۴۷۸؛ صحیح بخاری، ج ۲، ص ۱۳؛ ربيع الابرار، ج ۴، ص ۲۲۱. ۳۱) غیبت شیخ طوسی، ص ۴۵۴؛ منتخب الاثر، ص ۴۶۸؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۹۰؛ الخرائج، ج ۲، ص ۱۱۴۹؛ منتخب الانوار، ص ۲۵. ۳۲) دلائل الامامة، ص ۲۵۰؛ حقیقه الاعتقاد بالامام المهدی، ص ۲۰۴. ۳۳) احقاق الحق، ج ۲۹، ص ۳۶۱. ۳۴) سوره فتح، آیه ۱۰: «إِنَّ الَّذِينَ يَبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَمَسْئُوتِهِ أَجْرًا عَظِيمًا». ۳۵) غیبت شیخ طوسی، ص ۴۵۳؛ منتخب الاثر، ص ۴۶۸. ۳۶) کشف الغمه، ج ۲، ص ۴۶۲؛ روضه الواعظین، ج ۲، ص ۲۶۳. ۳۷) ارشاد شیخ مفید، ج ۲، ص ۳۸۳؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۷؛ معجم احادیث المهدی، علی کورانی، ج ۳، ص ۴۹۲؛ اعیان الشیعه، ج ۲، ص ۸۳؛ کشف الغمه، ج ۳، ص ۲۶۳؛ الزام الناصب، ص ۲۴۵؛ منتخب الاثر، ص ۴۶۸. ۳۸) امام مهدی موجود موعود، آیه الله جوادی آملی، ص ۲۱۸. ۳۹) بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۹۵؛ البلد الامین، ص ۸۴؛ مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی، دعای عهد. ۴۰) مفاتیح الجنان، زیارت صاحب الامر علیه السلام، بعد از دعای ندبه. ۴۱) بحار الانوار، ج ۱۰۲، ص ۱۱۰؛ مکیال المکارم، ص ۳۳۶. ۴۲) در برخی از روایات تقریباً نام اکثر آنان و نام شهرهای ایشان بیان شده است. ۴۳) آنچه که ذکر شد، بیان خلاصه‌ای از ویژگی‌های یاران امام زمان علیه السلام است که در احادیث فراوانی از معصومین علیهم السلام به آن اشاره شده است و

خواننده مشتاق می‌تواند به کتب مربوطه مراجعه نماید. (۴۴) برخی از کتابهایی که می‌توانید در این زمینه به زبان فارسی مطالعه بفرمایید: مکیال المکارم، نجم الثاقب، سیمای جهان در عصر امام زمان علیه السلام، موعودشناسی و پاسخ به شبهات، وظایف منتظران، گفتمان مهدویت، بامداد بشریت، کمال الدین، عبقری الحسان... (۴۵) کتاب‌های ادعیه و زیارت از جمله مفاتیح الجنان مرحوم شیخ عباس قمی. (۴۶) وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضُّعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ؛ سوره قصص، آیه ۵. (۴۷) الملاحم و الفتن، سید بن طاووس، ص ۱۵۴؛ جامع احادیث الامام المهدی، ج ۴، ص ۱۵۵؛ منتخب الاثر، فصل ۲، باب ۳. (۴۸) اصول کافی، ج ۵، ص ۵۲؛ تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج ۶، ص ۱۶۷؛ وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۲۱. (۴۹) سوره مائده، آیه ۳۸. (۵۰) سوره اسراء، آیه ۳۲. (۵۱) تفسیر المیزان، ج ۱۵، ۱۱۹؛ اصول کافی، ج ۲، ص ۲۷. (۵۲) اصول کافی، باب العفء، ج ۴، ص ۲۴۲. (۵۳) سوره نور، آیه ۲. (۵۴) بحارالانوار، ج ۱۰۴، ص ۳۸. (۵۵) گفتار انبیا، ص ۳۰۸. (۵۶) که از جمله آیات ۱۷۸ و ۱۷۹ سوره بقره و آیه ۴۵ سوره مائده به آن اشاره دارد. (۵۷) سوره اسراء، آیه ۳۳. (۵۸) سوره نسا، آیه ۹۳. (۵۹) سوره احزاب، آیه ۵۸. (۶۰) این بند با دو نسخه ثبت شده: یکی «لا یشتموا» و یکی «لا یستبوا». (۶۱) معراج السعاده، مرحوم نراقی، ص ۱۹۳. (۶۲) سوره انعام، آیه ۱۰۸. (۶۳) البته بسیار واضح است که بت و بت پرست، هیچ احترام و حرمتی ندارد، لکن با این بیان می‌خواهد ریشه چنین عملی را برکند تا کسی زبان خود را به کلمات ناشایست، آلوده نکند. (۶۴) حلیة المتقین، ص ۴۸۸. (۶۵) معراج السعاده، مرحوم نراقی، ص ۱۹۳. (۶۶) سوره نور، آیات ۲۷ و ۲۸. (۶۷) به غیر از رژیم نژادپرست قدس که براساس دستور صهیونیسم، اشغال و ویرانی خانه و کاشانه مردم مظلوم و مسلمان را و آزار و اذیت اهالی آن را جایز می‌شمیرند! (۶۸) معراج السعاده، مرحوم نراقی، ص ۱۹۳. (۶۹) حلیة المتقین، ص ۴۱۳. (۷۰) توضیح المسائل امام خمینی، مسئله ۲۲۶. (۷۱) مرحوم علامه مجلسی اولین باب کتاب حلیة المتقین را به موضوع آداب لباس و کفش اختصاص داده که خواننده محترم را به مطالعه آن دعوت می‌کنیم. در این باب به مطالب متنوعی اشاره شده؛ از جمله: فضیلت تجمیل و زینت کردن، لباس‌های حرام، رنگ لباس، آداب لباس پوشیدن، لباس مخصوص زنان و کافران، آداب لباس نو دوختن و نو پوشیدن. (۷۲) حلیة المتقین، علامه مجلسی، ص ۲۲. (۷۳) تهذیب الانساب، ابن اثیر جزری، ج ۲، ص ۲۲۸. (۷۴) سوره نور، آیه ۳۱. (۷۵) این بند از بیعت نامه به دو گونه ثبت شده: در یک نسخه «لا یخرجوا مسجداً» می‌باشد به این معنا که در مسجد، شورش و خروج و قیام نکنند و در نسخه دیگر، «لا یخربوا مسجداً» است، به این معنا که مسجدی را خراب نکنند. (۷۶) وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا؛ سوره جن، آیه ۱۸؛ و نیز آیه ۲۹ سوره اعراف. (۷۷) سوره توبه، آیه ۱۸. (۷۸) سوره بقره، آیه ۱۱۴. (۷۹) سوره توبه، آیه ۱۷. (۸۰) که در آیات شریفه قرآن به «صَدَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ» معروف است. (۸۱) سوره ماعون، آیه ۱ تا ۳. (۸۲) بحارالانوار، ج ۱۳، ص ۴۲۸. (۸۳) سوره مائده، آیه ۳۳. (۸۴) در این عنوان نیز اختلاف است: یک جا «لا یحبسوا بکراً» می‌باشد (نسخه الملاحم و الفتن سید بن طاووس) و در نسخه دیگر؛ یعنی در حیاة الامام مهدی «لا یحتسبوا مکرراً» است. (۸۵) البته مکر در جبهه و جنگ با دشمنان موضوع دیگری است که برای پیروزی، می‌توان از مخفی کاری و سیاست و حيله، آنان را غافلگیر کرد. (۸۶) نهج الفصاحه، کلمات رسول خداصلی الله علیه وآله. (۸۷) سوره ضحی، آیه ۹. (۸۸) سوره نساء، آیه ۱۰. (۸۹) سوره انعام، آیه ۱۵۲؛ همچنین است آیه شریفه ۳۴ سوره اسراء. (۹۰) سوره نساء، آیه ۹. (۹۱) سوره اعراف، آیه ۸۰ و (۹۲) سوره شعراء، آیه ۱۶۵ و ۱۶۶. (۹۳) سوره هود، آیه ۸۲. (۹۴) سوره صافات، آیه ۱۳۶. (۹۵) سوره اعراف، آیه ۸۴. (۹۶) اصول کافی، ج ۵، ص ۵۴۳؛ وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۳۲۹؛ بحارالانوار، ج ۷۶، ص ۷۱. (۹۷) بحارالانوار، ج ۷۶، ص ۴۹.

۱۵۷۵۹۸

(۹۸) جلد یک گناهان کبیره شهید دستغیب، داستانی نقل می‌کند که در زمان امام، بعد از مردن و دفن چنین شخصی، قبر او را شکافتند و او را در قبرش ندیدند و امام فرمود جسد او را هم به قوم لوط ملحق کردند. (۹۹) از امام رضاعلیه السلام نقل شده است:

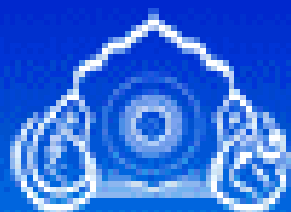
هر که با پسری لواط کند حدّش آن است که یا او را به آتش بسوزانند، یا دیواری بر سرش خراب کنند، یا شمشیری بر آن بزنند که کشته شود و خواهر و مادر آن پسر بر آن مرد حرام می‌شوند و در قیامت او را به حلق بکشند در کنار جهنّم، تا حق تعالی از حساب خلائق فارغ شود، پس او را در آتش اندازند، پس در هر طبقه‌ای از طبقات جهنّم او را عذاب کنند تا به آخر طبقات جهنّم برسد. و لواط بدتر از زناست زیرا که حق تعالی امتی را به زنا هلاک نکرد و به لواط، شهری چند را هلاک کرد. (حلیه المتقین) ۱۰۰ در این نسخه «لایشربو الخمر» است و در یک نسخه «لایشربو مسکراً» می‌باشد. ۱۰۱) سوره مائده، آیه ۹۰ و ۹۱. ۱۰۲) در این مورد برای اطلاع از فلسفه و علت حرمت این گناه و آثار و مضرات آن می‌توانید به طور مفصل در کتاب جلد یک گناهان کبیره شهید آیت الله دستغیب مطالعه کنید. ۱۰۳) من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۸؛ وسایل الشیعه، ج ۱۷، ص ۲۲۴؛ بحار الانوار، ج ۷۳، ص ۳۳۰؛ امالی شیخ صدوق، ص ۴۲۴. ۱۰۴) البته که این هم نوعی مجازات است؛ یعنی اولاً وظیفه دارد نماز بخواند، ثانیاً نمازش پذیرفته نخواهد شد، نه این که تا چهل روز نباید نماز بخواند که اگر نخواند باز جریمه و مجازاتش دو برابر می‌شود. ۱۰۵) حلیه المتقین و سایر کتب حدیثی. ۱۰۶) سوره نسا، آیه ۵۸. ۱۰۷) سوره احزاب، آیه ۷۲. ۱۰۸) سوره انفال، آیه ۲۷. ۱۰۹) نهج الفصاحه کلمات رسول خداصلی الله علیه وآله. ۱۱۰) نهج الفصاحه کلمات رسول خداصلی الله علیه وآله. ۱۱۱) سوره اعراف، آیه ۱۷۲. ۱۱۲) سوره یس، آیه ۶۰ و ۶۱. ۱۱۳) سوره بقره، آیه ۲۷ و نیز سوره‌های مائده، آیه ۱۳؛ رعد، آیه ۲۵؛ نمل، آیه ۹۱؛ اسراء، آیه ۳۴. ۱۱۴) سوره مائده، آیه ۱. ۱۱۵) سوره بقره، آیه ۱۷۷. ۱۱۶) سوره انفال، آیه ۷۲؛ و نسا، آیه ۹۰. ۱۱۷) نهج الفصاحه کلمات رسول خداصلی الله علیه وآله. ۱۱۸) همان. ۱۱۹) اصول کافی، باب خلف وعده، ج ۵، ص ۳۴۸. ۱۲۰) سوره صف، آیه ۱ و ۲. ۱۲۱) اصول کافی، باب خلف وعده، ج ۵، ص ۳۴۷. ۱۲۲) «وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا كُلٌّ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ» هیچ جنبنده‌ای در زمین نیست مگر این که روزی او بر خداست! او قرار گاه و محل نقل و انتقالش را می‌داند؛ همه این‌ها در کتاب آشکاری ثبت است! [در لوح محفوظ، در کتاب علم خدا؛ سوره هود، آیه ۶. ۱۲۳) سوره توبه، آیه ۶. ۱۲۴) در عنوان «آدم کشی نکردن» صفحه ۵۶. ۱۲۵) چنان که فرشتگان خدا هنگام خلقت انسان، یک روی سکه را دیدند و گفتند: «...قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنْ أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ»؛ «... فرشتگان گفتند: «پروردگارا! آیا کسی را در آن قرار می‌دهی که فساد و خونریزی کند؟! (زیرا موجودات زمینی دیگر، که قبل از این آدم وجود داشتند نیز، به فساد و خونریزی آلوده شدند. اگر هدف از آفرینش این انسان، عبادت است)، ما تسبیح و حمد تو را به جا می‌آوریم، و تو را تقدیس می‌کنیم». پروردگار فرمود: «من حقایقی را می‌دانم که شما نمی‌دانید». سوره بقره، آیه ۳۰. ۱۲۶) و فرشتگان نیز در ابتدای خلقت انسان، همین خوی برخی از افراد را در نظر داشتند که به خداوند عرض کردند: می‌خواهی کسانی را خلق کنی که خونریزی می‌کنند؟ و خدا فرمود خودم بهتر می‌دانم: «... أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنْ أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ»؛ سوره بقره، آیه ۳۰. ۱۲۷) در عنوان: «شکست خورده را تعقیب نکردن». ۱۲۸) آغازگر جنگ نباشند، آن‌گاه که دشمن شکست می‌خورد به دنبال فراری نروند، به مجروحان حمله نکنند و آن‌ها را نکشند، وارد خانه‌ای نشوند، از مال مردم چیزی نگیرند جز آنچه که در لشکرگاه باشد، به زنان متعرض نشوند، کشته‌ها را مثل و قطعه قطعه نکنند، لباس از تن کشته‌ها در نیاورند و ایشان را لخت و عریان نکنند...؛ اصول کافی، ج ۵، ص ۳۸؛ امالی شیخ مفید، ص ۵۹؛ تحف العقول، ص ۲۹۰، نهج البلاغه، نامه ۱۴؛ غیبت نعمانی؛ الاختصاص، ص ۹۵؛ موسوعه امام علی علیه السلام. ۱۲۹) بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۱. ۱۳۰) بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۰. ۱۳۱) شبیه همین حدیث را یکی دیگر از اصحاب به نام عمرو بن شمر نیز نقل کرده است. که امام فرمودند: «لَا تَبْكُ يَا عَمْرُو نَأْكُلُ أَكْثَرَ الطَّيِّبِ وَنَلْبَسُ اللَّيْنَ وَ لَوْ كَانَ الَّذِي تَقُولُ لَمْ يَكُنْ إِلَّا أَكْلُ الْجَشِبِ وَ لُبْسُ الْحَشِينِ مِثْلَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَإِلَّا فَمُعَالَجَةُ الْأَعْلَالِ فِي النَّارِ»؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۰. ۱۳۲) چنان که از احترام و تقدیس آن که توسط پیشینیان به عمل می‌آمده نیز معلوم می‌شود، نه مثل حالا که نان گندم در حدّ وفور و ارزان در دسترس همه می‌باشد و به همین

جهت نیز ناشکری و ناسپاسی زیادی نسبت به آن صورت می‌گیرد. (۱۳۳) معراج السعاده، مرحوم نراقی، ص ۳۰۲. ۱۳۴) نهج الفصاحه کلمات رسول خدا صلی الله علیه وآله. (۱۳۵) سوره توبه، آیه ۵۵. (۱۳۶) سوره حجر، آیه ۸۸. (۱۳۷) اصول کافی، ج ۴، ص ۴۱۰. (۱۳۸) اصول کافی، ج ۴، ص ۴۱۲. (۱۳۹) ارشاد القلوب، ص ۱۱۱. (۱۴۰) مجموعه ورام، ج ۱، ص ۱۳۴. (۱۴۱) سوره حج، آیه ۷۸. (۱۴۲) مفاتیح الجنان، زیارت امیر المؤمنین علیه السلام. (۱۴۳) لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْأَخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا» سوره احزاب، آیه ۲۱. (۱۴۴) باب ۶ کتاب حلیه المتقین برخی از روغن‌ها و خاصیت هر کدام را معرفی فرموده است. (۱۴۵) معانی الاخبار، ص ۷۸. (۱۴۶) سوره حج، آیه ۳۰. (۱۴۷) سوره مدثر، آیه ۴ و ۵. (۱۴۸) سوره آل عمران، آیه ۱۰۴. (۱۴۹) سوره توبه، آیه ۷۱. (۱۵۰) سوره آل عمران، آیه ۱۱۰. (۱۵۱) سوره اعراف، آیه ۱۵۷. (۱۵۲) اصول کافی، ج ۵، ص ۵۵؛ تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۱۸۰؛ وسایل الشیعه، ج ۱۶، ص ۱۸۹. (۱۵۳) وَلَا يَأْبُ الشُّهَدَاءُ إِذَا مَا دُعُوا...؛ سوره بقره، آیه ۲۸۳. (۱۵۴) سوره بقره، آیه ۲۸۳. (۱۵۵) کتاب گفتار انبیا ۳۲۸. (۱۵۶) سوره فرقان، آیه ۷۲. (۱۵۷) از تلفیق هر دو نسخه‌ای که قبلاً اشاره شد این تعداد موارد به دست می‌آید.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می‌کنند بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می‌دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیت های گسترده مرکز: الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب) تولید صداها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ... د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات

شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴) (خط ۲۳۵۰۵۲۴) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و... ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه و فائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱) نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله. شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: ۵۳-۰۶۰۹-۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۹۰ IR به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید». التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حجت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟». [سپس] فرمود: «حتماً رها کردن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

